

پویایی شناسی توسعه و کاربرد بررسی استانها در ایران

(۶۳-۱۳۳۵)

□ نوشته: دکتر هوشنگ امیر احمدی

■ ترجمه: علی طایفی

استاد و رئیس دانشکده برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای در دانشگاه راتگرز

مقدمه:

در مورد وجوه مختلف ناهمسنگی یا نابرابری استانها در ایران بررسی‌های چندی صورت گرفته است. این بررسی‌ها شامل انتشارات دولتی، گزارشهای شرکت‌های مشاوره خارجی و مطالعات منتشر شده از سوی افراد است. این انتشارات با همه سودمندی خود، اغلب حول چند متغیر محدود و یا یک دوره زمانی کوتاه مدت متمرکز بوده‌اند و از همین رو عاری از جامعیت یا تبیین‌های پویا هستند. همچنین فقط برخی از آنها به تحلیل روندها و طبقه‌بندی استانها پرداخته‌اند. مهم‌تر از همه اینکه درباره تغییرات مکانی از زمان انقلاب سال ۱۹۷۹ به این طرف، هیچ نوشته‌ای وجود ندارد.

هدف مقاله حاضر رفع این نقیصه نیست بلکه به دنبال گشودن مسیر تحلیل در این جهت است. به طور مشخص، این مقاله به بررسی میزان تفاوت‌های موجود میان استان‌های ایران در فاصله سالهای ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۳، روشن ساختن پویای این تفاوتها در طول دوران ۱۳۳۵-۵۵ و ۱۳۵۵-۶۳ و طبقه‌بندی استانها برحسب سطح توسعه آنها اختصاص دارد.

در سراسر مقاله، اشارات مختصری به علل اصلی روندهای مشاهده شده در زمینه تفاوت‌های استانی از جمله سیاست‌های دولت شده است. این نوشته را با طرح گمانه‌هایی درخصوص نتایج حاصل برای نظریه رشد منطقه‌ای موسوم به «نعل اسب وارونه» و نظریه توسعه دوگانه و نیز نتایج کاربردی حاصل برای دولت ایران جهت رفع تفاوت‌های استانی پایان می‌بریم.

- پیش‌فرضها و روش بررسی

برای این مهم بررسی خود را در پرتو گزاره‌های زیر پیش برده‌ایم:

۱- وجه مشخصه ایران وجود تفاوت‌های شدید میان استان‌های آن است.

۲- هرچند این تفاوتها در طول سال‌های ۱۳۳۵-۵۵ و ۱۳۵۵-۶۳ کاهش یافت ولی این کاهش برای تغییر بارز موقعیت استانها در سلسله مراتب استانی کافی نبود.

۳- استانها را می‌توان به سه دسته نسبتاً توسعه‌یافته، با توسعه متوسط و کمتر توسعه‌یافته طبقه‌بندی کرد.

برای تأیید گزاره‌های بالا، معیارهای آماری متعددی از جمله ضریب تغییرات *coefficient of variation* و امتیازات استاندارد ارائه می‌گردد. از تحلیل روندها و رتبه‌ها *trends and rank analysis* نیز بویژه برای طبقه‌بندی استانها استفاده می‌شود. از تحلیل عوامل و همبستگی *factor and correlation analysis* نیز تنها برای انتخاب متغیرها استفاده شده است.

برای بررسی این مسئله که آیا هر طبقه از استانها به حد کافی همگن است یا نه، به تحلیل تفاوت‌های تبعیضی نیز پرداخته‌ایم. برخی از دلایل انتخاب این معیارها و شیوه‌های آماری عبارتند از: استفاده از آنها در وضعیت پیچیده‌ای نظیر بررسی حاضر آسان است، آنها همان نوع شاخصهای قابل اعتمادی را که برای آزمون گزاره‌های بالا ضروری است به ما ارائه می‌کنند، و در مجموع بینش روشن‌تری در مورد هر دو دسته روابط بین استانها و بین متغیرها به ما می‌بخشند.

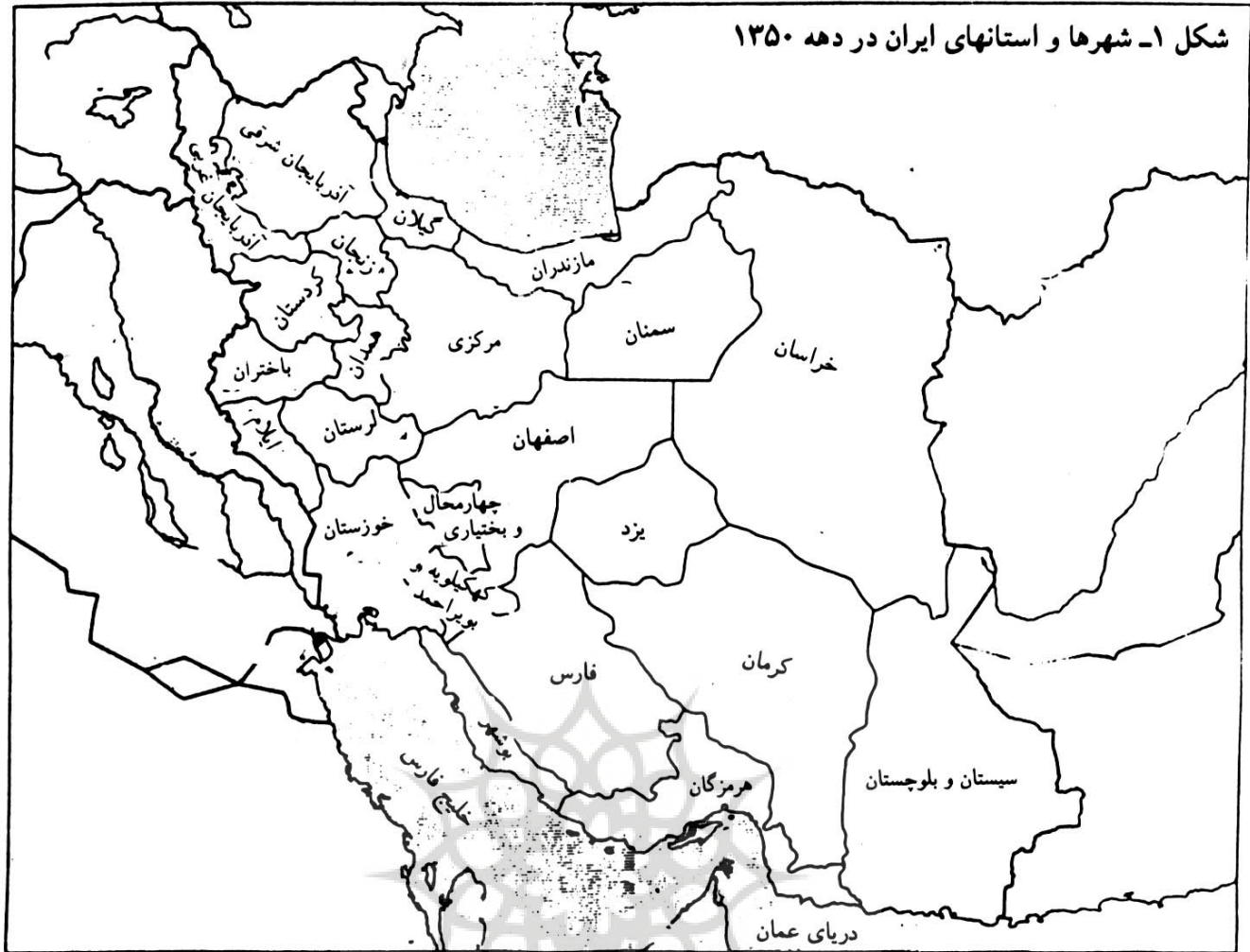
طرح تحقیق

از دیرباز بررسی‌های مربوط به نابرابری منطقه‌ای در ایران و یا در هر کشور دیگر جهان سومی، عمدتاً متکی بر سرانه درآمد منطقه‌ای یا هزینه‌های مصرف خانواده‌ها بوده است. اما اخیراً توجه فزاینده‌ای به متغیرهای اجتماعی می‌شود که گاه به غفلت از عوامل اقتصادی نیز منجر می‌گردد.

در بررسی حاضر از انواع شاخصهای اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی استفاده کرده‌ایم ولی هیچگونه ادعای تجربه نشده‌ای در مورد اهمیت متغیرهای به کار گرفته شده نداریم. در واقع طبق فرض ما این متغیرها حائز اهمیت یکسانی هستند. چنین داده‌هایی را از نشریات مختلف دولتی از جمله سالنامه‌های آماری، آمایش هزینه‌های مصرفی خانواده‌های روستایی و شهری، مطالعه تأسیسات بزرگ صنعتی و ترازنامه‌ها و گزارشهای سالانه بانک مرکزی گرد آورده‌ایم. بجاست هشدار دهیم که داده‌های استانی مورد استفاده در این مقاله نمایانگر منطقه‌بندی اداری و نه اقتصادی - اجتماعی است و از همین رو تفاوت‌های مهم موجود میان استانها را از نظر پنهان می‌سازد.

بهرحال در تهیه فهرست متغیرها با مشکلاتی مواجه بوده‌ایم. نخست، انتخاب سالهای سرشماری ۱۳۳۵، ۱۳۴۵، ۱۳۵۵ دلخواه بوده و فقط براساس موجود بودن اطلاعات مربوط به این سالها صورت گرفته است. در واقع این سالها نقطه عطف تحولات استانی در ایران نیستند. این مشکل با تعمیم دادن تحلیل‌ها در مورد سال ۱۳۶۳، نشان دادن تحولات عمده مؤثر بر تغییرات مکانی،

شکل ۱- شهرها و استانهای ایران در دهه ۱۳۵۰



شکل ۲- ضرایب

تغییر در سالهای ۱۳۴۵، ۱۳۵۵، ۱۳۳۵ و

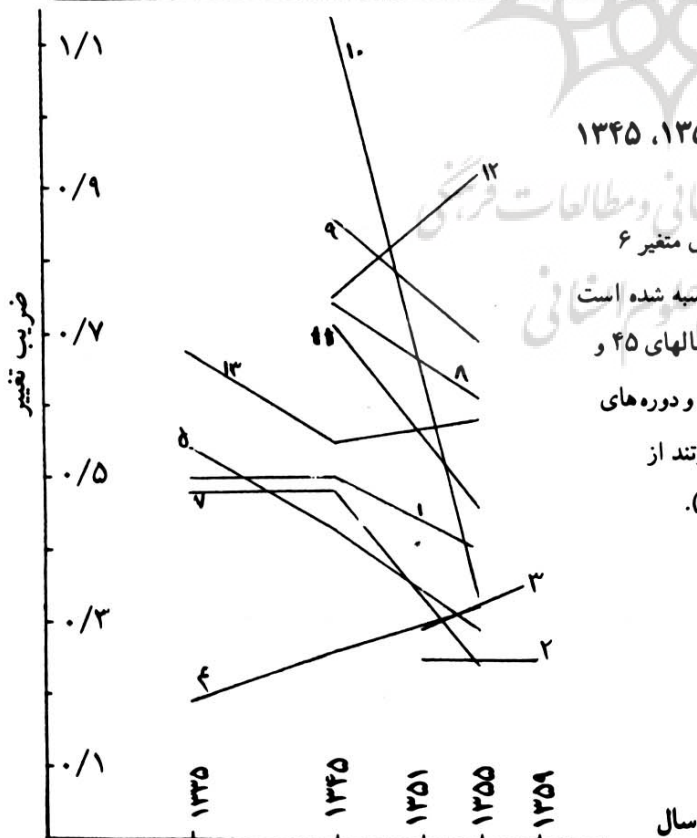
(توجه: ضریب تغییر برای متغیر ۶

فقط در سال ۱۳۵۵ محاسبه شده است زیرا هیچ داده ای برای سالهای ۴۵ و

۱۳۳۵ موجود نبوده است و دوره های

متغیرهای ۲ و ۳ نیز عبارتند از

۱۳۵۱-۵۹ و ۱۳۵۱-۵۸.



و منظور ساختن آمارهای خاص سالهای بین مقاطع سرشماری، تخفیف یافته است. البته این مسئله در صورتی به صورت مطلوب تری حل خواهد شد که اگر می توانستیم به جای استفاده از ارقام سالهای سرشماری از متوسط ارقام مربوط به چند سال حول و حوش مقاطع سرشماری استفاده کنیم این مشکل به صورت مطلوب تری حل می شد. بدین ترتیب اثر نوسان های غیر معمول در داده ها نیز کنترل می شد.

اما فقدان آمارهای مورد نظر، این کار را غیرممکن ساخت.

دوم، برای تعدادی از شاخصهای مهم توسعه همچون سرانه درآمد استانی و ارزش افزوده بخشهای مختلف اقتصاد، داده های قابل مقایسه ای در مورد بسیاری از استانها موجود نبود. این مسئله عمدتاً با منظور کردن هزینه های مصرف خانواده ها تعدیل شده است.

سوم، در طول دوره ۱۳۳۵-۵۹، مدیریت استانها چهار بار از نو سازمان‌دهی شد و هر بار مرزهای استانها اصلاح و استانهای جدیدی تشکیل گردید. بطوریکه در ۱۳۳۵ فقط ۱۰ استان در کشور وجود داشت ولی در سال ۱۳۵۹ تعداد آنها به ۲۴ استان رسیده بود.

به دلیل مناسب‌تر بودن این روش در سال ۱۳۵۵، ۲۳ واحد اداری استانی را برگزیده‌ایم (شکل ۱). بنابراین داده‌های استانی برای سال ۱۳۳۵ و ۱۳۵۴ برای

مقایسه پذیر شدن با داده‌های سال ۱۳۵۵ باید با هم جمع یا تفکیک شود. این نکته را در پانوشته جدول‌ها متذکر شده‌ایم. در این موارد سهم‌های استانی براساس استفاده از روش وزندار تعیین شده است. برای یک کاسه کردن آمار بعد از ۱۳۵۹ مربوط به دو استان تهران و مرکزی نیز که در جداول تحت عنوان استان مرکزی آمده از همین روش استفاده شده است. درخصوص برخی از متغیرها از جمله سرمایه‌گذاری‌های منطقه‌ای، این روش غیرممکن بود و لذا چاره‌ای جز حذف آنها

وجود نداشت. چهارم، تفاوت روش‌های گزارش‌دهی آمارهای مربوط به برخی متغیرها همچون بیمه اجتماعی، بهره‌برداری از آنها را ناممکن ساخته است. سرانجام، علیرغم میل باطنی مان ناچار بودیم در انتخاب شاخصها خود را محدود سازیم. بسیاری از متغیرهایی که در آغاز گردآوری شدند (با استفاده از روش تحلیل عوامل و همبستگی) همبستگی بسیار بالایی از خود نشان دادند. براین اساس باید به فهرست متغیرهای

جدول ۱- شاخصهای اقتصادی - اجتماعی و جمعیت شناختی استانها در سال ۱۳۵۵

استان متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳
مرکزی	۷۹/۹	۴۹۹۹۶/۷	۲۵۷۰۷/۰	۱۱/۷	۳۵/۸	۹۳۳	۶۵/۹	۹۴/۳	۳۳۸/۳	۸۰/۸	۸۰/۸	۲۳/۴	۸۳/۲
گیلان	۲۹/۲	۵۹۶۶۹/۵	۳۴۱۷۷/۳	۲۴/۶	۲۱/۵	۲۸۰	۵۰/۷	۲۴/۱	۱۴۲/۶	۱۹/۱	۲۱/۷	۳۶/۷	۳۸/۳
مازندران	۳۲/۵	۴۳۲۲۹/۱	۲۵۷۰۷/۲	۵۲/۴	۲۰/۹	۴۲۱	۴۷/۰	۲۱/۶	۹۵/۱	۳۷/۱	۴۶/۱	۱۶/۹	۳۴/۴
آذربایجان شرقی	۳۷/۲	۴۲۰۹۸/۴	۳۸۸۳۶/۰	۳۸/۰	۳۸/۵	۶۸۶	۳۶/۳	۲۱/۹	۱۱۰/۱	۴۳/۱	۳۵/۹	۹/۷	۳۰/۰
آذربایجان غربی	۳۱/۷	۴۱۵۶۶/۹	۲۶۶۳۰/۳	۵۴/۰	۲۲/۶	۵۶۰	۳۸/۳	۱۹/۷	۹۴/۳	۴۱/۸	۲۹/۱	۹/۶	۳۵/۳
باختران	۴۲/۹	۴۳۰۶۳/۱	۱۴۰۷۹/۴	۳۸/۸	۲۸/۸	۵۲۱	۴۲/۳	۲۱/۴	۹۷/۳	۵۰/۹	۳۶/۶	۱۷/۹	۴۷/۳
خوزستان	۵۸/۳	۵۴۲۸۹/۴	۲۳۳۴۱/۶	۳۱/۹	۲۷/۹	۹۹۱	۵۰/۳	۳۹/۱	۱۶۷/۱	۶۵/۲	۶۵/۱	۶/۹	۶۷/۶
فارس	۴۲/۹	۳۸۴۱۴/۶	۱۸۹۷۹/۸	۳۵/۶	۳۲/۹	۶۵۶	۴۹/۵	۳۳/۶	۱۲۵/۸	۵۸/۴	۴۸/۶	۴/۷	۴۸/۹
کرمان	۳۲/۲	۴۱۹۶۰/۲	۱۷۱۵۲/۱	۴۴/۹	۳۴/۲	۵۸۷	۴۱/۸	۲۰/۹	۷۶/۵	۴۲/۶	۳۳/۱	۲/۵	۵۰/۷
خراسان	۳۸/۱	۳۲۵۴۵/۹	۱۷۷۴۹/۵	۴۱/۸	۳۵/۴	۵۳۲	۴۰/۰	۲۷/۲	۱۵۰/۶	۴۵/۱	۳۵/۹	۳/۷	۳۳/۵
اصفهان	۶۳/۱	۴۰۴۵۸/۳	۲۶۰۳۷/۷	۲۴/۱	۴۸/۸	۳۴۵	۵۲/۹	۴۲/۵	۱۹۷/۲	۵۹/۴	۶۸/۹	۸/۷	۵۷/۵
سیستان و بلوچستان	۲۴/۵	۴۴۵۰۲/۵	۱۶۶۸۰/۷	۵۸/۳	۲۱/۸	۱۳۰	۲۹/۴	۱۹/۱	۵۷/۵	۲۶/۱	۱۵/۴	۱/۸	۳۵/۶
کردستان	۲۴/۳	۵۰۷۰۴/۸	۱۹۰۵۰/۱	۴۳/۲	۳۶/۴	۱۵۶	۲۹/۷	۱۶/۲	۳۷/۶	۵۶/۱	۱۸/۷	۷/۲	۳۴/۴
همدان	۲۹/۹	۴۵۶۷۳/۷	۲۴۰۰۲/۷	۴۱/۱	۳۷/۶	۳۰۶	۳۷/۰	۱۴/۴	۸۱/۵	۳۵/۷	۳۵/۹	۱۳/۴	۲۵/۶
چهارمحال و بختیاری	۳۵/۶	۳۳۲۲۷/۴	۱۸۰۲۰/۶	۳۹/۴	۲۷/۹	۲۷۴	۳۷/۲	۲۳/۴	۵۲/۸	۴۶/۹	۳۲/۶	۱۲/۱	۲۲/۹
لرستان	۳۱/۵	۴۹۱۰۲/۹	۲۲۸۱۰/۱	۵۱/۹	۲۶/۹	۷۹۸	۴۴/۴	۱۵/۶	۳۸/۲	۳۸/۲	۲۸/۳	۷/۱	۲۹/۳
ایلام	۱۹/۸	۶۶۶۴۸/۳	۱۷۷۲۹/۸	۶۸/۶	۱۷/۶	۱۷۶	۱۷/۶	۱۳/۱	۲۴/۴	۵۴/۶	۲۴/۹	۷/۷	۲۷/۰
کهگیلویه و بویراحمد	۱۲/۶	۶۷۳۴۸/۶	۱۱۵۰۲/۶	۷۲/۹	۱۳/۶	۱۳۶	۳۱/۱	۱۵/۲	۲۰/۵	۲۶/۶	۱۱/۵	۵/۶	۲۳/۲
بوشهر	۳۴/۳	۵۶۹۲۱/۵	۲۰۲۴۹/۷	۲۸/۴	۳۱/۹	۷۷۷	۳۹/۰	۳۱/۷	۵۵/۶	۳۴/۶	۳۷/۶	۵/۱	۵۱/۳
زنجان	۲۴/۹	۳۹۲۸۸/۵	۱۶۳۶۱/۳	۴۹/۶	۳۴/۸	۸۳۰	۳۰/۴	۱۲/۴	۳۵/۳	۳۲/۸	۲۰/۹	۵/۱	۱۸/۸
سمنان	۳۸/۷	۳۷۵۴۹/۱	۳۳۹۴۴/۷	۳۵/۶	۳۱/۵	۴۷۴	۵۷/۲	۲۹/۳	۹۰/۴	۵۸/۲	۵۴/۴	۳/۷	۷۶/۳
یزد	۶۱/۲	۳۱۹۸۲/۶	۴۴۷۴۹/۳	۲۸/۵	۴۹/۸	۳۲۱	۵۲/۵	۳۳/۴	۱۹۱/۹	۶۷/۹	۶۶/۸	۳/۷	۴۰/۶
هرمزگان	۲۶/۷	۶۶۰۰۱/۲	۱۸۱۹۴/۱	۳۴/۳	۲۸/۵	۳۶۵	۳۲/۸	۲۵/۱	۰۳۹/۱	۳۸/۱	۲۴/۴	۴/۹	۵۴/۸
ایران	۴۷/۱	۴۵۴۶۲/۰	۲۴۰۳۶/۳	۳۵/۱	۳۳/۱	۷۴۰	۴۷/۵	۳۹/۸	۱۶۰/۱	۵۱/۹	۵۱/۷	۶/۷	۴۹/۶

توجه: برای اطلاع از فهرست متغیرها به صفحات نخست مقاله مراجعه شود. نرخ مبادله بین ریال و دلار آمریکایی از این قرار است: در ۱۳۵۵ هر دلار ۷۰ ریال و در سال ۱۳۵۸ هر دلار ۹۰ ریال.

a: ارقام مربوط به سال ۱۳۵۹ است نه ۱۳۵۵. ارقام مربوط به استان مرکزی ۷۸ درصد متعلق به استان تهران و ۲۲ درصد متعلق به استان مرکزی است.

b: ارقام مربوط به سال ۱۳۵۸ است نه ۱۳۵۵.

c: ایلام در زمره خوزستان است.

مأخذ: تدوین شده براساس اطلاعات مندرج در سالنامه‌های آماری و دیگر نشریات سازمان برنامه و بودجه از جمله بررسی هزینه‌های مصرفی خانوارهای شهری و روستایی.

جدول ۲- ضرایب تغییر و درصد تغییرات آنها

درصد تغییرات به وجود آمده در			ضریب تغییر			متغیرها
۱۳۳۵-۵۵	۱۳۴۵-۵۵	۱۳۳۵-۴۵	۱۳۵۵	۱۳۴۵	۱۳۳۵	
-۲۰	-۲۰	+۰۰	۰/۴۱	۰/۵۱	۰/۵۱	۱- درصد جمعیت شهری
	+۴۰		۵۰/۲۶	۶۰/۲۵		۲- میانگین هزینه‌های مصرف خوراکی و غیر خوراکی خانوار شهری در ۳۰ روز (به ریال)
	+۲۱۰		۵۰/۳۵	۶۰/۲۹		۳- میانگین هزینه‌های مصرف خوراکی و غیر خوراکی خانوار روستایی در ۳۰ روز (به ریال)
+۶۸	+۲۳	+۳۷	۰/۳۲	۰/۲۶	۰/۱۹	۴- اشتغال اولیه به عنوان درصدی از اشتغال کل
-۴۴	-۳۰	-۲۰	۰/۲۹	۰/۴۳	۰/۵۴	۵- اشتغال ثانویه به عنوان درصدی از اشتغال کل
			۰/۵۰			۶- ارزش افزوده هر کارگر شاغل در تأسیسات صنعتی بزرگ (۱۰۰۰ ریال)
	-۵۰		۰/۲۴	۰/۴۸	۰/۴۸	۷- درصد جمعیت باسواد (۶ سال به بالا) ^a
	-۱۸		۰/۶۱	۰/۷۴		۸- تعداد پزشکان به ازای هر یکصد هزار نفر ^b
	-۲۰		۰/۶۹	۰/۸۶		۹- تعداد تخت‌های بیمارستانی به ازای هر یکصد هزار نفر
	-۷۲		۰/۳۲	۱/۱۴		۱۰- درصد واحدهای مسکونی دارای آب لوله‌کشی
	-۳۵		۰/۴۶	۰/۷۱		۱۱- درصد واحدهای مسکونی دارای برق
	+۲۳		۰/۹۲	۰/۷۵		۱۲- تعداد دفاتر پستی در هر ده هزار کیلومتر مربع
-۱۳	+۵	-۱۸	۰/۵۸	۰/۵۵	۰/۶۷	۱۳- تعداد شاغلان بخش عمومی در هر هزار نفر جمعیت

a: در ۱۳۳۵ ده سال به بالا، در ۱۳۴۵ هفت سال به بالا و در ۱۳۵۵ شش سال به بالا

b: ارقام زیرستون ۱۳۴۵ مربوط به سال ۱۳۴۴ است.

c: ارقام مربوط به سال ۱۳۵۱ است

d: ارقام مربوط به سال ۱۳۵۹ (شهری) و سال ۱۳۵۸ (روستایی) است.

e: طول دوران ۱۳۵۱-۵۹ شهری و ۱۳۵۱-۵۸ روستایی مورد نظر است.

علامت (+) نشانگر افزایش انحراف و علامت (-) نمایانگر کاهش انحراف بین ارقام استانی و میانگین ملی است.

شماره ۲ و ۳ نزدیکترین جایگزین برای درآمدهای سرانه هستند و سطح زندگی در هر استان را نشان می‌دهند. شایان ذکر است که آنها درآمدهای نقدی را یکسان نمی‌گیرند. در واقع در استانهایی (مانند ایلام، کهگیلویه و بویراحمد، سیستان و بلوچستان، کردستان و زنجان) که اقتصاد معیشتی تا حد زیادی دوام یافته است این متغیرها بسیار بیشتر از متوسط سرانه درآمدهای نقدی هستند.

متغیرهای چهارم تا ششم نیز شرایط اقتصادی داخل استانها را نشان می‌دهند در حالی که متغیرهای هفتم تا سیزدهم نمایانگر خدمات اجتماعی هستند. هر دو متغیر ۴ و ۵ به ترتیب معیارهای خوبی برای سنجش توسعه نیافتگی توسعه هستند. متغیر ۶ نمایانگر بهره‌وری در بخش مدرن است و متغیر ۷ سطح باسواد و قدرت تولید سرمایه

تأسیسات صنعتی بزرگ (به ۱۰۰۰ ریال)

۷- درصد جمعیت باسواد (۶ سال به بالا)

۸- تعداد پزشکان به ازای هر یکصد هزار نفر

۹- تعداد تخت بیمارستانی به ازای هر یکصد هزار نفر

۱۰- درصد واحدهای مسکونی بهره‌مند از آب لوله‌کشی

۱۱- درصد واحدهای مسکونی دارای برق

۱۲- تعداد دفاتر پستی در هر ده هزار کیلومتر مربع

۱۳- تعداد شاغلان بخش عمومی در هر هزار نفر جمعیت

متغیر شماره ۱ سطح شهرنشینی یا درجه دگرگونی اقتصادی - اجتماعی و جمعیتی هر استان خاص را نشان می‌دهد. متغیرهای

زیر که ممکن است برخی از آنها (مثل متغیرهای ۴ و ۵، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱ معیارهای کاملاً مستقلی برای توسعه نباشند ولی آن اندازه مستقل هستند که استفاده از آنها در این بررسی ضروری باشد قناعت کنیم:

۱- درصد جمعیت شهری

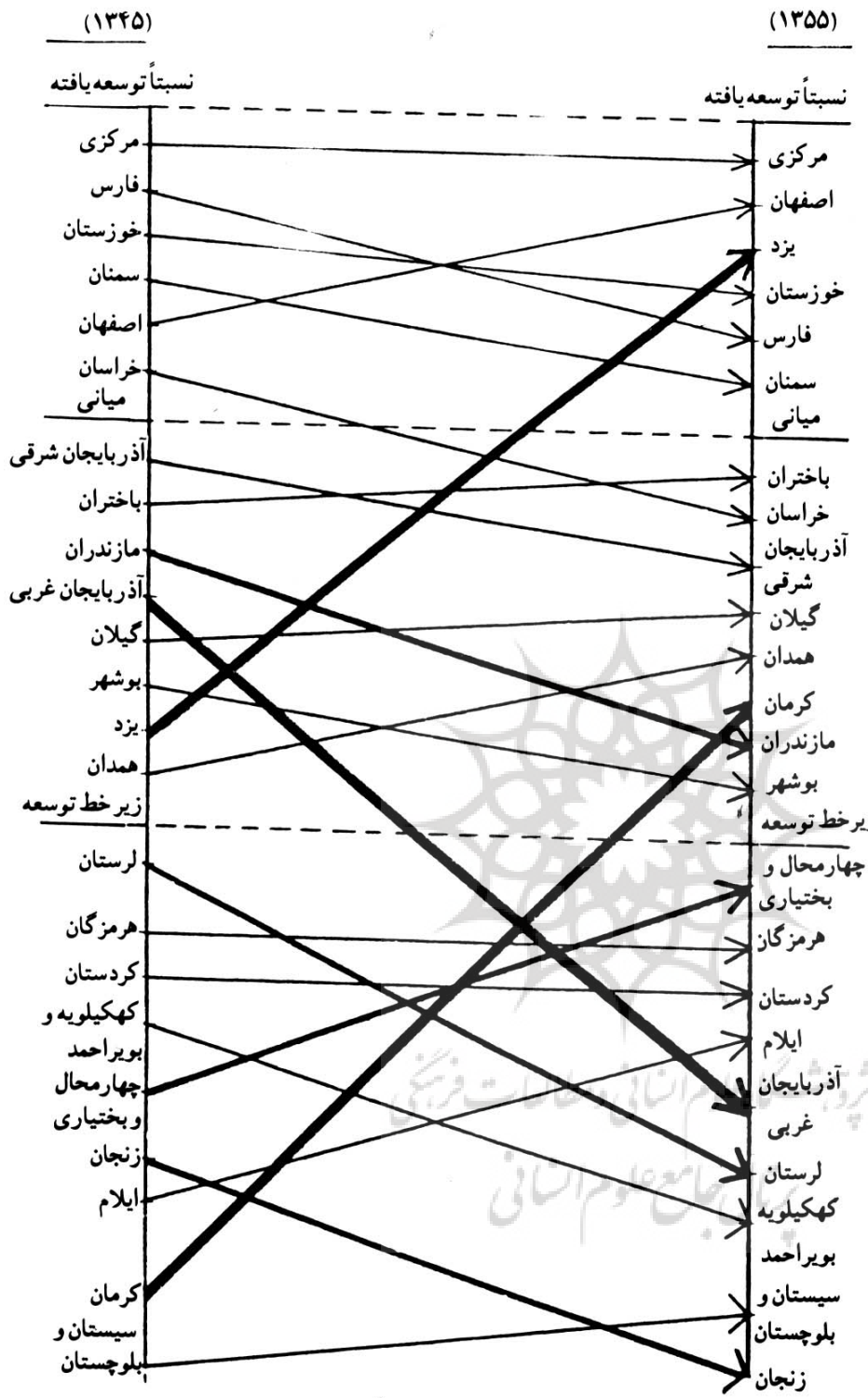
۲- هزینه‌های متوسط کل مصرف خوراکی و غیر خوراکی يك خانوار شهری در ۳۰ روز (به ریال)

۳- هزینه‌های متوسط کل مصرف خوراکی و غیر خوراکی يك خانوار روستایی در ۳۰ روز (به ریال)

۴- اشتغال اولیه به صورت درصدی از اشتغال کل

۵- اشتغال ثانویه به صورت درصدی از اشتغال کل

۶- ارزش افزوده هر کارگر شاغل در



شکل ۳- تحرك استانها در سلسله مراتب استانی ۱۳۴۵-۵۵ (توجه: در هر گروه، استانها رتبه بندی شده اند).

انسانی استان را اندازه می گیرد. متغیرهای هشتم و نهم به ارائه مراقبت‌های بهداشتی مربوطند. از سوی دیگر، متغیرهای ۱۰ و ۱۱ شاخص دسترسی به مسکن و سطوح استاندارد مسکن در استانها هستند. متغیر ۱۲ معیار مناسبی است که میزان توسعه ارتباطات جمعی را نشان می دهد. سرانجام متغیر ۱۳ پراکندگی یا تمرکز کارکردها و کارگزاران حکومتی را نشان می دهد. میزان تفاوت‌های بین استانی

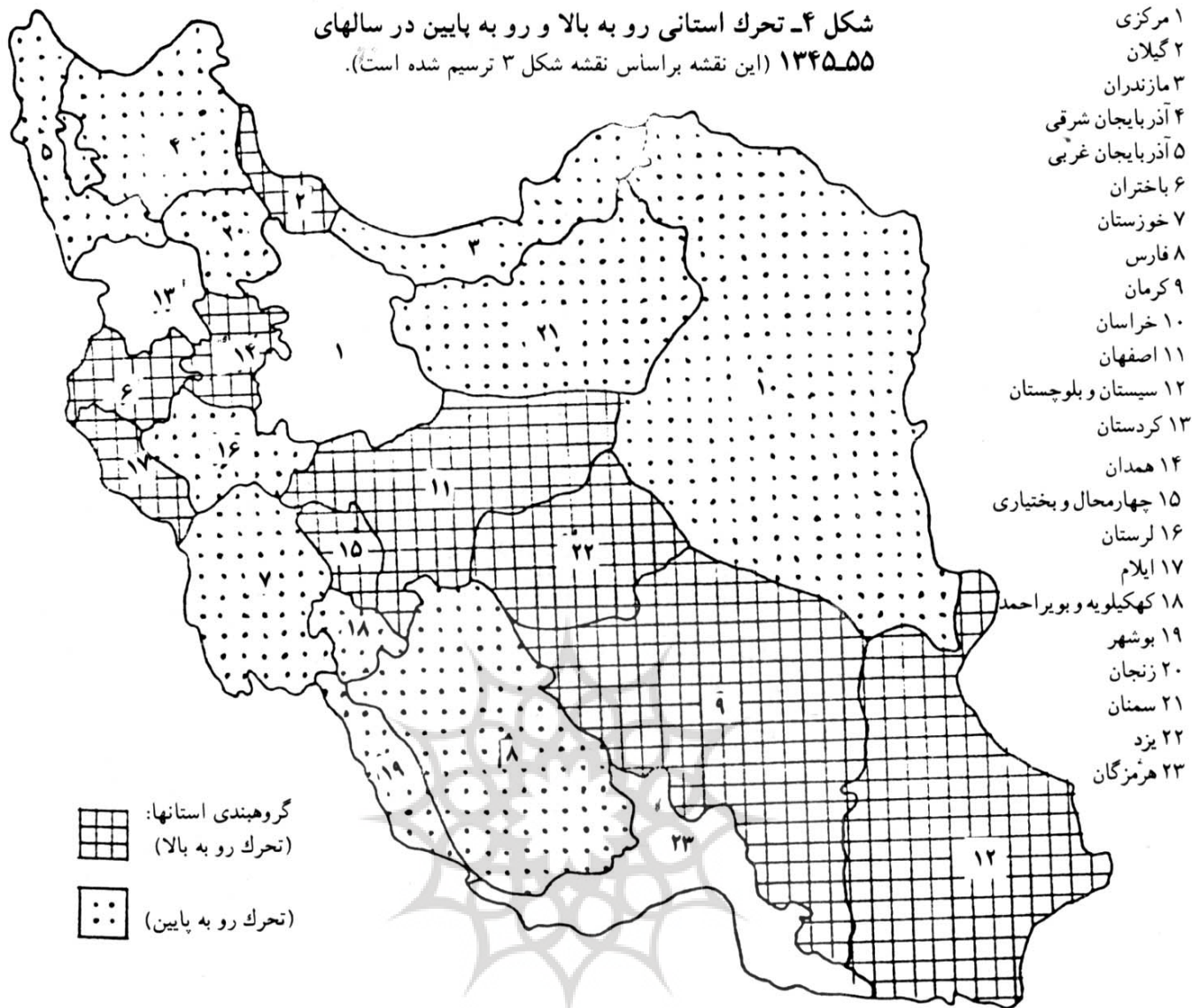
جدول (۱) تصویر کلی ساختار استانهای ایران در سال ۱۳۵۵ را نشان می دهد. حتی با بررسی سطحی این جدول، تفاوت‌های حادی که در بین استانها از نظر اکثر متغیرها بجز استثناً هزینه‌های مصرف خانوار شهری وجود دارد آشکار می گردد. چنین تفاوت‌هایی بویژه در بین استانهای مرکزی، خوزستان، اصفهان، یزد، فارس و سمنان از يك سو و استانهای چهارمحال بختیاری، لرستان، ایلام، کردستان، هرمزگان، سیستان و بلوچستان، آذربایجان غربی، زنجان و کهگیلویه و بویراحمد از سوی دیگر نمایان است. گروه نخست از استانها را «نسبتاً توسعه یافته» و گروه بعدی را «زیرخط توسعه» می نامیم. بقیه استانها که در بین این دو گروه حدی جای می گیرند، «گروه میانی» می خوانیم. این گروه شامل استانهای گیلان، باختران، خراسان، همدان، مازندران، آذربایجان شرقی، کرمان و بوشهر است. مبنای این دسته بندی در بخش مربوط به طبقه بندی استانها مورد بحث قرار می گیرد. در آنجا با استفاده از روش‌های مختلف نشان خواهیم داد که هر دسته در واقع يك کل نسبتاً همگون را تشکیل می دهد.

در بین استانهای نسبتاً توسعه یافته، استان مرکزی که شامل تهران نیز هست، تنها استانی است که به عنوان توسعه یافته ترین استان ایران شناخته می شود. در سال ۱۳۵۵ این استان ۲۰ درصد جمعیت کشور را در خود جای می داد که ۸۰ درصد آن در نقاط شهری ساکن بودند در حالی که این نسبت برای کل کشور ۴۷ درصد بود. ارقام مربوط به اشتغال ثانویه و بهره وری در بخش مدرن، نرخ باسوادی، تعداد پزشکان و تختهای

بود، اما از لحاظ هزینه‌های مصرفی، ارقام این استان چندان بهتر از میانگین‌های ملی نبود. در واقع هزینه‌های مصرفی برخی

بیمارستانی، استانداردهای مسکن، و خدمات عمومی این استان نیز به میزان چشمگیری و در برخی موارد تا سه برابر میانگین‌های ملی

شکل ۴- تحرك استانی رو به بالا و رو به پایین در سالهای ۱۳۴۵-۵۵ (این نقشه براساس نقشه شکل ۳ ترسیم شده است).



استانهای این گروه به میانگین های ملی نزدیکتر بود. با این حال برخی از انحرافات مهم از این الگو نیز قابل مشاهده است. گیلان در مقایسه با ۴۷ درصد شهرنشینی در کل کشور فقط دارای ۲۹ درصد شهرنشین بود و بهره وری آن در بخش مدرن بطور نامعمولی پایین بود. از سوی دیگر ظاهراً این استان در زمینه برخی از خدمات اجتماعی مانند نرخ باسوادی و تعداد دفاتر پستی، بسیار بالاتر از میانگین ملی قرار گرفته است. برعکس، استان بوشهر در همین گروه از نظر خدمات اجتماعی موقعیتی بسیار پایین تر از میانگین های ملی داشت حال آنکه از نظر بهره وری در بخش مدرن و چند متغیر دیگر همچون بخش سوم، عملکردی به مراتب بهتر از میانگین ملی داشت.

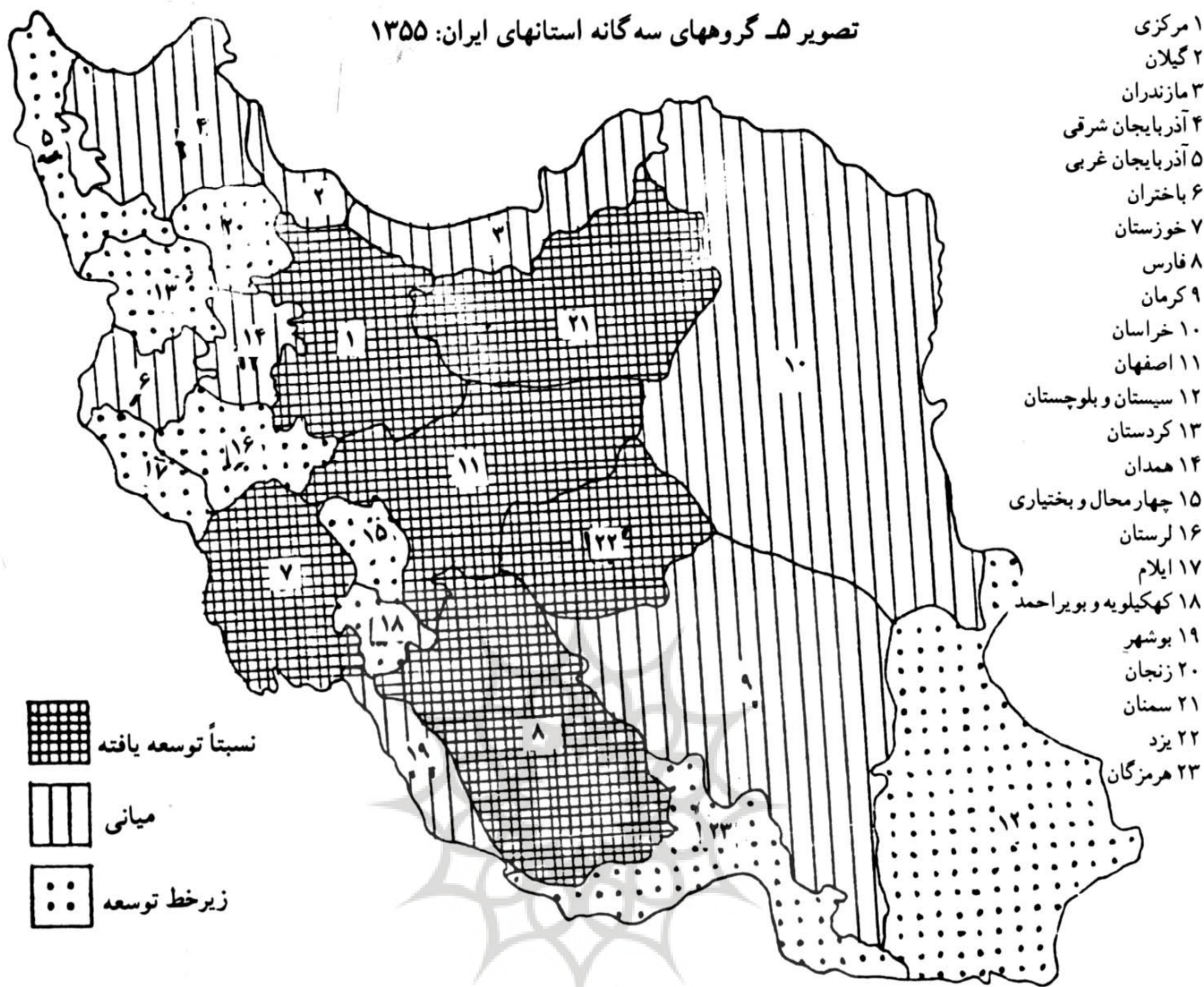
سیس ایلام و زنجان را در بین این گروه، توسعه نیافته ترین استانها قلمداد کرد. در سال ۱۳۵۵ کهگیلویه و بویراحمد کمتر از ۱۳ درصد شهرنشین داشته و ارقام مربوط به متغیرهای اقتصادی - اجتماعی، جمعیتی و خدماتی آن که در جدول (۱) ارائه شده است به جز اشتغال اولیه و هزینه های مصرفی شهری به میزان بارزی کمتر از میانگین های ملی بوده و در برخی موارد حتی ۵ تا ۸ برابر پائین تر از آنها بوده است. مقایسه ارقام مربوط به این منطقه با آمارهای استان مرکزی، طبیعت حاد نابرابری بین استانها را حتی آشکارتر می سازد.

استانهای میانی هم از نظر ساختار اقتصادی - اجتماعی خود کاملاً مشابه بودند و بیشتر ارقام مربوط به تعداد قابل توجهی از

استانها از جمله استان های زیر خط توسعه ای همچون ایلام، کهگیلویه و بویراحمد و کردستان بهتر از استان مرکزی بود. این امر شاید نتیجه این واقعیت باشد که توزیع درآمد در تهران بیشتر از دیگر نقاط ایران بخصوص استانهای زیر خط توسعه نامتقارن است. بقیه استانها در گروه نسبتاً توسعه یافته، از نظر سطح توسعه اساساً مشابه بودند. البته اصفهان و یزد در این گروه، شهری تر و صنعتی تر بودند در حالی که خوزستان یعنی استان نفت خیز کشور به علت فعالیت شهرهای بندریش، دارای اقتصادی عمدتاً خدماتی بود.

از سوی دیگر استانهای زیر خط توسعه از همگونی بیشتری برخوردار بودند. هر چند می توان نخست، کهگیلویه و بویراحمد و

تصویر ۵- گروه‌های سه‌گانه استانه‌های ایران: ۱۳۵۵



برای اندازه‌گیری میزان توزیع نابرابر يك عامل مشخص در فضای کشور است ولی برای تعیین نابرابری استان‌ها چندان کمکی نمی‌کند. این ضریب به عنوان يك معیار کلی برای سنجش نابرابری، عدم تقارن توزیع را نشان نمی‌دهد و لذا تفاوت‌های مهم موجود میان استانهای خاص را پنهان می‌سازد. برای رفع این کاستی، امتیازات استاندارد ای برای همان سیزده متغیر قبلی محاسبه شد. اما به لحاظ کمبود جا تنها نتایج مربوط به ۱۰ متغیری که تغییرات چشمگیرتری را از خود نشان می‌دادند در جداول ۳ و ۴ و ۵ آمده است. بررسی دقیق‌تر این جداول، ویژگی‌های جالب توجه زیر در مورد امتیازات استاندارد استانی را آشکار می‌سازد.

برای اندازه‌گیری میزان توزیع نابرابر يك عامل مشخص در فضای کشور است ولی برای تعیین نابرابری استان‌ها چندان کمکی نمی‌کند. این ضریب به عنوان يك معیار کلی برای سنجش نابرابری، عدم تقارن توزیع را نشان نمی‌دهد و لذا تفاوت‌های مهم موجود میان استانهای خاص را پنهان می‌سازد. برای رفع این کاستی، امتیازات استاندارد ای برای همان سیزده متغیر قبلی محاسبه شد. اما به لحاظ کمبود جا تنها نتایج مربوط به ۱۰ متغیری که تغییرات چشمگیرتری را از خود نشان می‌دادند در جداول ۳ و ۴ و ۵ آمده است. بررسی دقیق‌تر این جداول، ویژگی‌های جالب توجه زیر در مورد امتیازات استاندارد استانی را آشکار می‌سازد.

نگردید.

میزان نابرابری در سال ۱۳۵۴ از لحاظ تعداد تخت‌های بیمارستانی به ازای هر یکصد هزار نفر، درصد واحدهای مسکونی بهره‌مند از آب لوله‌کشی یا برق، تعداد دفاتر پستی در هر ده هزار کیلومتر مربع و تعداد پزشکان به ازای هر یکصد هزار نفر جمعیت، نسبتاً بالا بود. در سال ۱۳۵۵ میزان این نابرابری از لحاظ تخت‌های بیمارستانی، پزشکان، خانه‌های دارای آب لوله‌کشی، و دفاتر پستی همچنان بالا بود ولی از لحاظ دیگر متغیرها کاهش یافت. میزان نابرابری استان‌ها از نظر هزینه‌های مصرفی نسبتاً ناچیز بود ولی ظاهراً این شکاف در طول دوره ۱۳۵۱-۵۹ گسترده‌تر شده است.

در حالیکه ضریب تغییر معیار مناسبی

برای نیل به تصویر بهتری از نابرابری‌های استانی در ایران، ضریب تغییر را برای ۱۳ متغیری که دست‌کم در دو مقطع زمانی آمارهایی در مورد آنها در دسترس بود محاسبه کرده‌ایم. نتایج این محاسبه در جدول ۲ ارائه شده است. ضریب تغییر به عنوان معیاری کلی برای سنجش نابرابری نشان می‌دهد که هر متغیر در کل فضای ملی تا چه حد نابرابر توزیع می‌شود. پس بزرگی نسبی این ضریب نشان‌دهنده میزان نابرابری استانی است. هرچه این ضریب بزرگتر باشد تفاوت استان‌ها از لحاظ آن متغیر خاص بارزتر خواهد بود.

بطور کلی ضرایب، کاملاً ثابت مانده بود و کاهش جزئی عدم تقارن توزیع متغیرهای اجتماعی سبب تغییر چشمگیر تصویر کلی

حقیقت با یافته‌های قبلی ما نیز سازگار است. نوابری بارزتر را می‌توان در مورد متغیرهای ۱ و ۱۳ در سال ۱۳۳۵ و متغیرهای ۱۰، ۹ و ۱۱ برای سال‌های ۱۳۴۵ و ۱۳۵۵ دید. از سوی دیگر شکاف موجود در زمینه متغیرهای ۲ و ۳ در سال‌های ۱۳۵۱ و ۱۳۵۷ کمتر چشمگیر است. سرانجام، تغییر بزرگی امتیازات استانده در طول دوران ۱۳۳۵-۵۵ و ۱۳۴۵-۵۵ هم در جهت منفی و هم در جهت مثبت چشمگیر بوده است. نتیجه مهمی که از تحلیل فوق به دست می‌آید این است که در بین استان‌های ایران نوابری‌ها و ناهمسنگی‌های شدیدی وجود دارد.

امتیازات استانده بسیاری از استانهاست جایگاه منفرد و بارزی دارد نوابری مورد بحث آشکارتر می‌شود. اصفهان، یزد، خوزستان و سمنان نیز که همگی استانهای نسبتاً توسعه یافته‌اند در زمینه بیشتر متغیرها دارای امتیازاتی بیش از ۱ هستند. عکس این حالت وضعیت تعدادی از استانهای زیرخط توسعه همچون کهگیلویه و بویراحمد، ایلام، سیستان و بلوچستان و زنجان است که امتیازات استانده آنها بسیار پایین و در زمینه بیشتر متغیرها کمتر از ۱ است. دوام میزان نوابری موجود میان استانها از لحاظ متغیرهای مختلف یکسان نیست. این

امتیازاتشان به دودسته تقسیم می‌شوند: تعداد کمتری دارای امتیاز مثبت هستند ولی تعداد بیشتری از استانها امتیاز منفی دارند. استانهای زیر خط توسعه تقریباً همواره در زمره گروه دوم و برعکس، استانهای نسبتاً توسعه یافته به گروه نخست تعلق دارند. استانهای میانی را در هر دو دسته می‌توان یافت. این الگوی تقسیم بندی بیانگر وجود نوابری حاد میان استانها به ویژه در بین استانهای نسبتاً توسعه یافته و استانهای زیرخط توسعه است. اگر توجه کنیم که استان مرکزی - شامل تهران - با امتیازات استانده بالایی (از ۲ تا حدود ۵) که چندین برابر

جدول ۳- امتیازات استانده مربوط به متغیرهای منتخب در سالهای ۱۳۳۵ تا ۱۳۵۹ (استانها برحسب امتیازات استانده خود در سالهای ۱۳۵۵، ۱۳۵۸ یا ۱۳۵۹ مرتب شده‌اند)

استان	متغیر (a)			استان	متغیر ۲			استان	متغیر ۳		
	۱۳۳۵	۱۳۴۵	۱۳۵۵		Δ	۱۳۵۱	۱۳۵۹		Δ	۱۳۵۱	۱۳۵۸
مرکزی	۲/۱۲	۲/۹۲	۲/۸۹	-	کهگیلویه و بویراحمد	۱/۰۹	۱/۸۰	+	یزد	-۰/۸۳	۲/۷۰
اصفهان	۱/۵۲	۱/۶۵	۱/۷۱	+	ایلام	-۰/۸۹	۱/۷۲	+	آذربایجان شرقی	۰/۵۲	۱/۹۶
یزد	-۰/۳۴	۱/۰۷	۱/۵۹	+	هرمزگان	-۰/۰۸	۱/۶۸	+	گیلان	۲/۶۲	۱/۲۸
خوزستان	۱/۵۲	۱/۵۸	۱/۳۹	-	گیلان	۱/۲۴	۱/۱۵	-	سمنان	-۰/۷۶	۱/۲۵
همدان	-۰/۱۳	-۰/۱۸	-۰/۴۷	+	بوشهر	۰/۵۱	۰/۹۱	+	آذربایجان غربی	۲/۴۱	-۰/۴۴
فارس	۰/۶۲	۰/۵۵	۰/۳۹	-	خوزستان	۱/۴۳	-۰/۶۹	-	اصفهان	-۰/۵۷	-۰/۳۶
باختران	۰/۵۳	۰/۳۷	۰/۳۹	-	کردستان	۰/۵۰	-۰/۳۹	-	مازندران	۱/۲۳	-۰/۳۲
سمنان	-۰/۲۶	-۰/۳۵	۰/۱۱	+	مرکزی	۲/۷۸	-۰/۳۳	-	مرکزی	-۰/۰۸	-۰/۳۲
خراسان	-۰/۲۲	-۰/۰۱	۰/۰۷	+	لرستان	-۰/۴۲	۰/۲۵	+	همدان	-۰/۳۷	۰/۱۱
آذربایجان شرقی	۰/۱۶	۰/۰۱	۰/۰۱	-	همدان	-۰/۶۸	-۰/۰۴	+	خوزستان	۱/۲۰	-۰/۰۳
چهارمحال و بختیاری	-۰/۱۱	-۰/۰۳	-۰/۰۹	+	سیستان و بلوچستان	-۱/۲۷	-۰/۱۴	+	لرستان	-۰/۰۴	-۰/۰۴
بوشهر	-۰/۶۱	-۰/۵۱	-۰/۱۷	+	مازندران	-۰/۱۱	-۰/۲۴	-	بوشهر	-۰/۰۷	-۰/۲۴
کرمان	-۰/۳۳	-۰/۳۶	-۰/۳۱	+	باختران	-۰/۱۵	-۰/۲۶	-	کردستان	-۰/۰۲	-۰/۵۱
مازندران	-۰/۴۹	-۰/۳۱	-۰/۳۱	+	زنجان	-۱/۱۵	-۰/۲۸	+	فارس	۰/۲۲	-۰/۵۲
آذربایجان غربی	-۰/۲۹	-۰/۲۱	-۰/۳۵	-	آذربایجان شرقی	۰/۲۵	-۰/۲۴	-	هرمزگان	-۰/۳۴	-۰/۶۱
لرستان	-۰/۲۴	-۰/۲۷	-۰/۳۶	-	کرمان	-۰/۹۷	-۰/۳۵	+	چهارمحال و بختیاری	-۰/۶۱	-۰/۶۴
گیلان	-۰/۱۵	-۰/۳۴	-۰/۵۱	-	آذربایجان غربی	۰/۶۵	-۰/۳۸	-	ایلام	-۰/۶۷	-۰/۶۷
هرمزگان	-۱/۳۶	-۰/۹۱	-۰/۶۷	+	اصفهان	-۰/۳۶	-۰/۲۸	-	خراسان	۱/۲۰	-۰/۶۷
زنجان	-۰/۶۳	-۰/۷۲	-۰/۷۹	-	فارس	۰/۷۲	-۰/۶۵	-	کرمان	-۰/۷۵	-۰/۷۲
سیستان و بلوچستان	-۱/۲۶	-۰/۹۶	-۰/۸۲	+	سمنان	-۰/۳۶	-۰/۷۲	-	سیستان و بلوچستان	-۱/۴۵	-۰/۸۰
کردستان	-۱/۰۵	-۰/۸۱	-۰/۸۳	+	چهارمحال و بختیاری	-۰/۸۶	-۱/۰۹	-	زنجان	-۰/۲۳	-۰/۸۲
ایلام	-۰/۸۲	-۱/۲۹	-۱/۱۳	+	خراسان	-۱/۲۱	-۱/۱۵	+	باختران	-۰/۳۱	-۱/۱۳
کهگیلویه و بویراحمد	b	-۱/۳۹	-۱/۴۱	-	یزد	-۰/۹۶	-۱/۵۲	-	کهگیلویه و بویراحمد	-۰/۰۶	-۱/۲۵

a: در مورد فهرست متغیرها به صفحات اول مقاله مراجعه شود.

b: بویراحمد در زمره استان خوزستان است.

علامت (+) نشانگر بهبود نسبی موقعیت استان در سالهای ۱۳۳۵-۵۵ است.

علامت (-) نشانگر وخامت نسبی موقعیت استان در سالهای ۱۳۳۵-۵۵ است.

Δ نشانه تغییر در طول دوره ۱۳۳۵-۵۵ است.

الگوهای تغییر نابرابری استان‌ها

آیا نابرابری استانها از لحاظ توزیع متغیرها در طی دوران ۱۳۳۵-۴۵ و ۱۳۴۵-۵۵ افزایش یافته است یا کاهش و این افزایش یا کاهش به چه میزان بوده است؟ برای نمونه، آیا الگوی توسعه استانهای ایران در طول دوره‌های مورد بررسی همگرا بوده است یا ناهمگرا؟ وضع هر استان در طول این دوره‌ها چگونه بوده و جایگاه نسبی آن در سلسله مراتب استانی چه تغییری کرده است؟ و چه عوامل عمده‌ای موجب اینگونه تحولات شده است؟

برای پاسخ دادن به این پرسشها باید به سیاست‌های منطقه‌ای دولت و نیز تحلیل تغییراتی توجه کنیم که در طول زمان در ضرایب متغیرها و امتیازات استانده به وجود آمده است. همانگونه که از جدول ۱ و نمودار ۲ پیداست، ضرایب هفت متغیر از سیزده متغیر مورد بحث، در سال ۱۳۵۵ (در مقایسه با ضرایب سالهای ۱۳۳۵ و ۱۳۴۵ همان متغیرها) نشانگر کاهش نابرابری استانهاست. در بین متغیرهایی که در طول دوره‌های ۱۳۳۵-۵۵ و ۱۳۴۵-۵۵ یا ۱۳۵۱-۵۹ نابرابری استانها در زمینه آنها افزایش یافته است این متغیرها از همه آشکارترند: هزینه‌های مصرفی روستایی، اشتغال اولیه و تعداد دفاتر پستی. از سوی دیگر میزان کاهش نابرابری در زمینه متغیرهایی همچون درصد واحدهای مسکونی دارای برق و آب لوله‌کشی، تعداد پزشکان و تختهای بیمارستانی، درصد جمعیت باسواد، و اشتغال ثانویه قابل توجه بود.

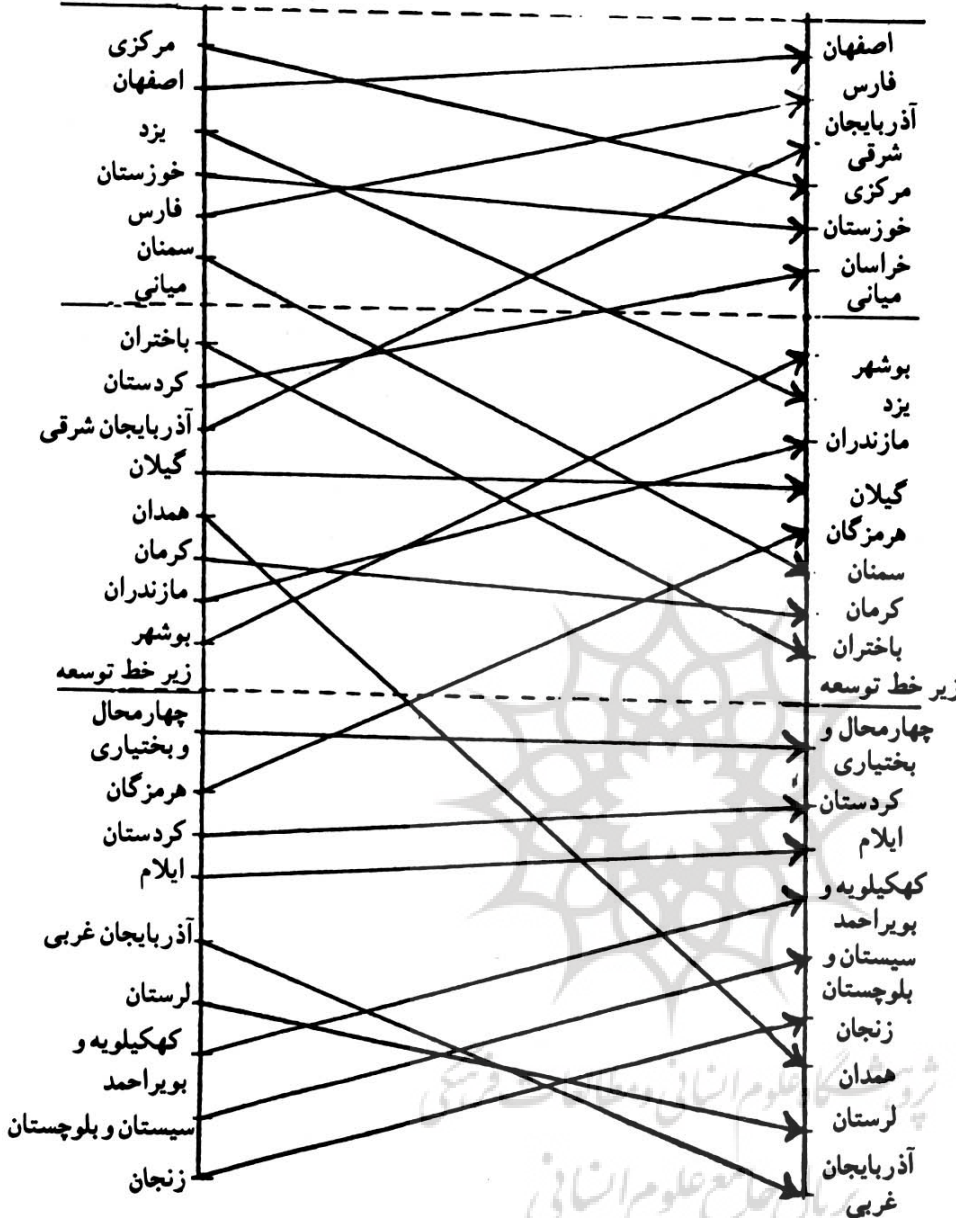
برای مشاهده تغییر وضعیت هر استان می‌توان این روندها را با سهم نسبی هر استان در زمینه هر یک از متغیرهای بالا کنترل کرد. بطور کلی اگر استانی از لحاظ متغیری سهم غالب را داشته باشد که نابرابری بین استانی در زمینه آن رو به کاهش (یا افزایش) است جایگاه نسبی آن استان نیز دچار کاهش (یا افزایش) خواهد شد.

جایگاه نسبی هر استان در سلسله مراتب استانی و میزان تغییر آنها در طول زمان در جداول ۳ و ۴ و ۵ به خوبی نشان داده شده است. طی دوره‌های ۱۳۳۵-۵۵ و ۱۳۴۵-۵۵

۱۳۵۵

نسبتاً توسعه یافته

۱۳۶۱/۶۳

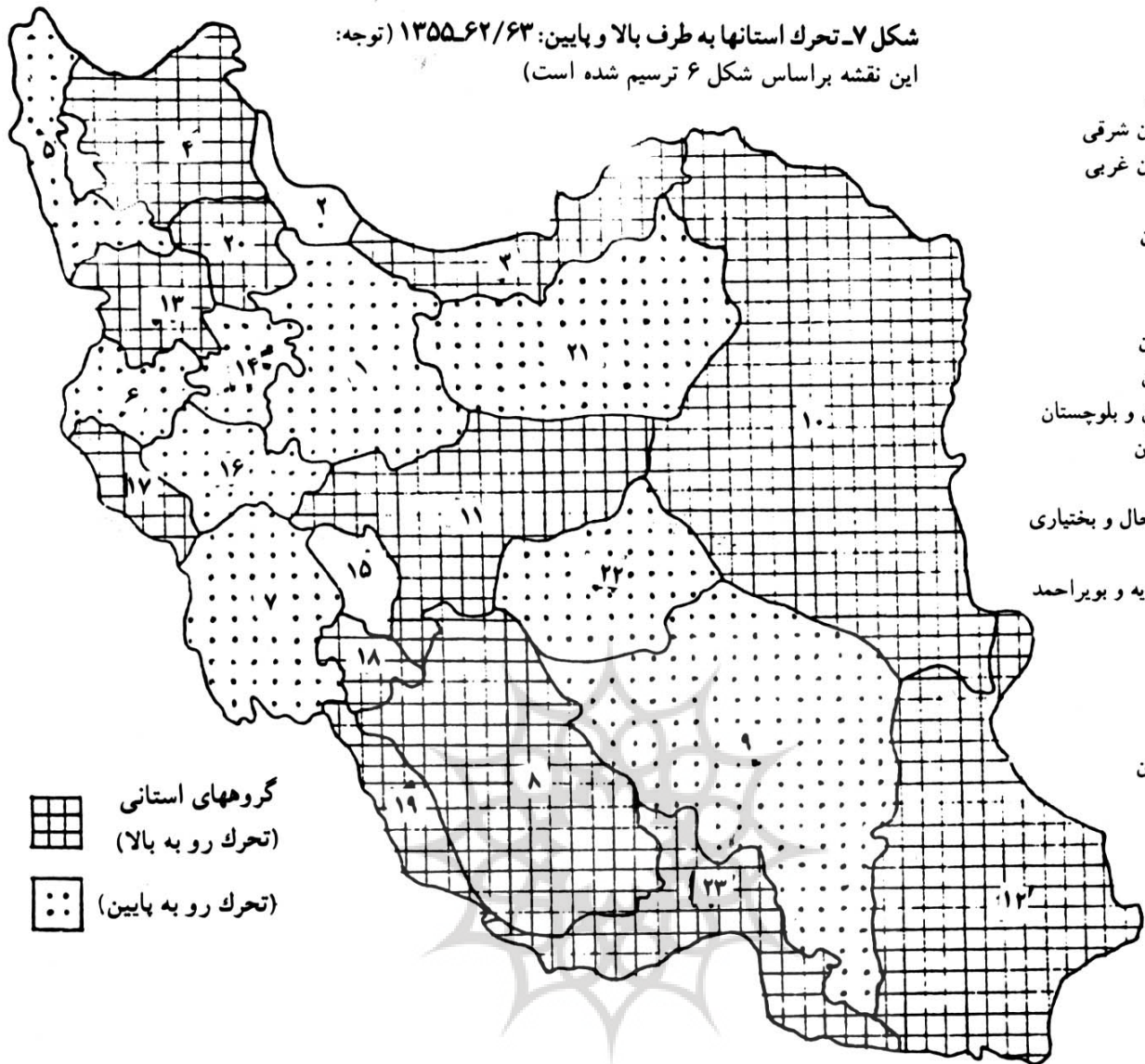


شکل ۶- تحرك استانها در سلسله مراتب استانی: ۶۳ و ۶۲-۱۳۵۵ (توجه: درون هر گروه، استانها مرتبه‌بندی شده‌اند)

بختیاری و همدان وضعیتشان بیش از دیگران بهبود یافت. بر همین اساس می‌توان در طی دوره ۱۳۴۵-۵۵ استانهای صعودکننده را از استانهای درحال افول تمیز داد. (نمودار ۴) این الگوهای تغییرات نمایانگر همگرایی نسبی استانها به ویژه طی دوره ۱۳۴۵-۵۵ می‌باشد ولی میزان این همگرایی را به دشواری می‌توان مشخص ساخت. یک چیز مسلم است: روندهای همگرایی تأثیر مهمی بر جایگاه استانها در سلسله مراتب استانی

جایگاه نسبی بیش از نیمی از استانها از جمله بیشتر استانهای گروه میانی در سلسله مراتب استانی یا بهبود یافته و یا هیچ تغییر قابل توجهی نکرده است. اما وضع استانهای دیگر از جمله بسیاری از استانهای زیرخط توسعه به‌طور نسبی بدتر شده است. آذربایجان غربی، مازندران، کهکیلویه و بویراحمد، لرستان و کردستان از جمله استانهای بودند که جایگاهشان بیش از دیگران تنزل کرد. از سوی دیگر، کرمان، یزد، اصفهان، چهارمحال

شکل ۷- تحرك استانها به طرف بالا و پایین: ۱۳۵۵-۶۲/۶۳ (توجه):
این نقشه براساس شکل ۶ ترسیم شده است



- ۱ مرکزی
- ۲ گیلان
- ۳ مازندران
- ۴ آذربایجان شرقی
- ۵ آذربایجان غربی
- ۶ باختران
- ۷ خوزستان
- ۸ فارس
- ۹ کرمان
- ۱۰ خراسان
- ۱۱ اصفهان
- ۱۲ سیستان و بلوچستان
- ۱۳ کردستان
- ۱۴ همدان
- ۱۵ چهارمحال و بختیاری
- ۱۷ ایلام
- ۱۸ کهگیلویه و بویراحمد
- ۱۹ بوشهر
- ۲۰ زنجان
- ۲۱ سمنان
- ۲۲ یزد
- ۲۳ هرمزگان

- گروههای استانی
- تحرک رو به بالا
- تحرک رو به پایین

نگذاشته است.

جز در مورد کرمان، یزد، آذربایجان غربی و خراسان، سایر استانها در سال ۱۳۵۵ در همان گروهی بودند که در سال ۱۳۴۵ به آن تعلق داشتند. در این فاصله کرمان از گروه استانهای زیرخط توسعه به گروه استانهای میانی تغییر موقعیت داد و یزد نیز خود را از گروه میانی به سطح استانهای نسبتاً توسعه یافته بالا کشید. از دیگر سو، موقعیت آذربایجان غربی از گروه میانی به سطح استانهای زیرخط توسعه تنزل یافت و جایگاه خراسان در سلسله مراتب استانی نیزافت کرد و این استان از دسته نسبتاً توسعه یافته به دسته میانی منتقل شد. جابجایی استانها در داخل هر دسته فراوان تر به چشم می خورد. برخی (مانند ایلام، چهارمحال بختیاری، اصفهان،

گیلان و همدان) قادر به صعود از نردبان ترقی بودند. درحالی که برخی دیگر (مثل لرستان، کهگیلویه و بویراحمد، زنجان، فارس، مازندران، سمنان و آذربایجان شرقی) درجهت عکس حرکت کردند.

تحلیل ما تا اینجا به برخی از روندهای مهم اشاره دارد: نخست، بنظر می رسد که نابرابری منطقه ای در ایران کاملاً بارز است. دوم، در مورد بسیاری از متغیرها الگوی همگرایی مشخصی در حال ظهور است حال آنکه در مورد شاخصهای دیگر چنین الگوی روشنی قابل تشخیص نیست. سوم علیرغم این توسعه همگرا جایگاه بیشتر استانها در سلسله مراتب استانی در طی دوره ۱۳۴۵-۵۵ تغییر مهمی نکرده است. البته این نتیجه قابل انتظار بود زیرا افزایش یا کاهش نابرابری

لزوماً موجب تغییر در روابط سلسله مراتبی میان استانها نمی گردد. و سرانجام، می توان استانها را در سه دسته کلی نسبتاً توسعه یافته، میانی و زیرخط توسعه طبقه بندی کرد. در بخش مربوط به طبقه بندی برخوردار مشروح تری با نکته آخر خواهیم کرد.

توسعه دولتی و سیاستهای منطقه ای

روندهای فوق همگی بازتاب روشن توسعه ملی و سیاستهای منطقه ای دولت است. قبل از دهه ۱۳۲۰ به سختی نشانی از برنامه ریزی یا سیاستهای روشن توسعه وجود داشت و سیاستگذاران نیز حتی کمتر به خود توسعه منطقه ای علاقمند بودند. سرمایه گذارها یا هزینه های عمومی اگر نه بطور کلی، عمدتاً به طور موردی و در راستای خطوط بخشهای مختلف اقتصاد بین چند استان انگشت شمار

توزیع می‌گشت.

بخصوص برای استانهای تهران و مرکزی همواره سهم نامناسبی تخصیص می‌یافت. اصفهان (که در آن زمان شامل یزد هم می‌شد) و فارس نیز بطور نسبی مورد عنایت قرار داشتند. اعتبارات توسعه عمدتاً در صنایع نظامی، زیرساخت‌ها و صنایع جایگزینی واردات سرمایه‌گذاری می‌شد که در مراکز شهری بزرگ قرار داشتند. به توسعه خدمات اجتماعی، مناطق روستایی، کشاورزی و لذا به توسعه مناطق زیرخط توسعه

که متکی به فعالیتهای ابتدایی بودند در بهترین حالت توجهی سطحی می‌شد. این سیاستها طی دوران نخستین سه برنامه توسعه ادامه یافت و در واقع مورد تأکید قرار گرفت (برنامه اول شامل سالهای ۳۳-۱۳۲۸، برنامه دوم شامل سالهای ۴۱-۱۳۳۴ و برنامه سوم شامل سالهای ۴۶-۱۳۴۲). با این حال تغییرات چندی صورت گرفت از جمله ایجاد چندین مرجع توسعه منطقه‌ای در استانهای آذربایجان شرقی، خوزستان (با بیشترین کارایی و

اهمیت)، سیستان و بلوچستان، مرکزی، کرمان، کهگیلویه و بویراحمد و مازندران. این مراجع عمدتاً با پروژه‌های بزرگ کشاورزی، آبرسانی و تولید برق و در برخی موارد کارهای اعانه‌ای (مثلاً در سیستان و بلوچستان) سروکار داشتند. برنامه سوم نیز دوران ایجاد دفاتر برنامه‌ریزی استانی، قطب‌های رشد کشاورزی (در گیلان، مازندران، اصفهان، خوزستان و آذربایجان شرقی) مراکز رشد صنعتی (در اصفهان، آذربایجان شرقی و مرکزی) بود. در مجموع در سه برنامه اول

جدول ۴- امتیازات استاندارد مربوط به متغیرهای منتخب در سالهای ۱۳۳۵، ۱۳۴۵، ۱۳۵۵ (استانها براساس امتیازات استاندارد خود در سال ۱۳۵۵ مرتب شده‌اند)

استان	متغیر ۵ ^(a)			استان	متغیر ۷			استان	متغیر ۸				
	۱۳۳۵	۱۳۴۵	۱۳۵۵		۱۳۳۵	۱۳۴۵	۱۳۵۵		۱۳۳۵	۱۳۴۵			
یزد	-	۲/۳۸	۲/۵۵	۱/۹۷	مرکزی	-	۲/۴۳	۲/۹۳	۲/۴۵	مرکزی	+	۳/۹۹	۴/۹۰
اصفهان	+	۱/۲۹	۱/۶۹	۱/۸۶	سمنان	+	۱/۳۲	۱/۶۹	۱/۵۶	اصفهان	+	۰/۵۲	۰/۹۴
چهارمحال و بختیاری	+	۰/۲۵	۱/۲۱	۱/۷۶	اصفهان	+	۰/۵۲	۰/۸۶	۱/۱۵	خوزستان	+	۰/۷۳	۰/۷۳
آذربایجان شرقی	+	۰/۳۹	۰/۵۰	۰/۷۲	یزد	+	۰/۴۱	۰/۵۷	۱/۱۱	فارس	-	۰/۴۲	۰/۳۹
همدان	+	۰/۳۳	۰/۵۶	۰/۶۳	گیلان	+	۰/۲۵	۰/۳۳	۰/۹۳	یزد	+	c	۰/۲۸
کردستان	+	۱/۰۴	۱/۱۴	۰/۴۹	خوزستان	+	۰/۷۹	۱/۲۲	۰/۸۹	سمنان	+	۰/۰۹	۰/۱۳
مرکزی	-	۱/۷۵	۱/۴۴	۰/۴۳	فارس	+	۰/۶۳	۰/۹۶	۰/۸۱	کرمان	+	۰/۴۱	۰/۱۲
خراسان	-	۰/۵۰	۰/۲۰	۰/۳۸	مازندران	+	۰/۱۱	۰/۰۹	۰/۵۶	خراسان	-	۰/۱۱	۰/۰۱
کرمان	-	۱/۲۹	۰/۹۰	۰/۲۵	باختران	+	۰/۰۳	۰/۱۶	۰/۰۸	هرمزگان	+	۰/۴۱	۰/۱۲
فارس	-	۰/۱۴	۰/۴۵	۰/۱۱	کرمان	+	۰/۱۲	۰/۱۶	۰/۰۳	گیلان	-	۰/۰۱	۰/۱۸
بوشهر	+	۰/۸۶	۰/۳۲	۰/۰۰	خراسان	-	۰/۱۱	۰/۰۵	۰/۱۱	چهارمحال و بختیاری	+	۰/۷۳	۰/۲۲
سمنان	-	۰/۴۰	۰/۲۳	۰/۰۴	آذربایجان غربی	-	۰/۲۵	۰/۴۵	۰/۳۱	بوشهر	+	۰/۵۱	۰/۲۸
مازندران	+	۰/۷۹	۰/۷۳	۰/۳۲	همدان	-	۰/۰۳	۰/۲۱	۰/۴۱	آذربایجان شرقی	-	۰/۲۱	۰/۳۱
زنجان	-	۰/۳۱	۰/۶۳	۰/۳۲	چهارمحال و بختیاری	-	۰/۳۹	۰/۳۵	۰/۴۱	مازندران	-	۰/۰۱	۰/۳۳
باختران	+	۰/۶۱	۰/۷۷	۰/۳۴	ایلام	+	۰/۴۳	۱/۲۵	۰/۴۱	باختران	-	۰/۰۱	۰/۳۴
هرمزگان	+	۰/۸۳	۰/۴۵	۰/۳۷	آذربایجان شرقی	-	۰/۲۵	۰/۳۷	۰/۵۱	آذربایجان غربی	-	۰/۴۱	۰/۴۴
خوزستان	-	۰/۳۷	۲/۰۰	۰/۴۴	لرستان	-	۰/۵۲	۰/۴۱	۰/۷۱	سیستان و بلوچستان	-	۰/۴۱	۰/۴۸
لرستان	+	۰/۶۰	۰/۶۸	۰/۵۵	هرمزگان	+	۱/۰۱	۱/۱۱	۰/۸۱	کردستان	-	۰/۳۱	۰/۶۵
آذربایجان غربی	-	۰/۷۰	۰/۷۳	۱/۰۲	بوشهر	-	۰/۶۳	۰/۲۹	۰/۹۱	لرستان	-	۰/۸۲	۰/۶۹
سیستان و بلوچستان	-	۰/۹۵	۰/۸۷	۱/۱۱	کهگیلویه و بویراحمد	-	۰/۸۱	۰/۸۱	۱/۰۱	کهگیلویه و بویراحمد	+	۰/۹۲	۰/۷۱
گیلان	-	۱/۰۶	۰/۷۵	۱/۱۴	زنجان	-	۰/۹۲	۱/۱۵	۱/۱۱	همدان	-	۰/۵۱	۰/۷۶
ایلام	-	۱/۵۵	۱/۵۳	۱/۵۷	کردستان	-	۰/۹۴	۱/۱۱	۱/۱۱	ایلام	-	N/A	۰/۸۵
کهگیلویه و بویراحمد	b	۰/۷۹	۰/۷۹	۲/۰۱	سیستان و بلوچستان	-	۱/۰۸	۱/۰۱	۱/۲۱	زنجان	-	d	۰/۸۸

a: در مورد فهرست متغیرها به صفحات اول مقاله مراجعه شود.

b: بویراحمد و کهگیلویه جزو استان خوزستان است.

c: یزد در زمره اصفهان است.

d: زنجان در زمره گیلان است.

علامت (+) نشانگر بهبود نسبی موقعیت استان در سالهای ۱۳۳۵-۵۵ است.

علامت (-) نشانگر وخامت نسبی موقعیت استان در سالهای ۱۳۳۵-۵۵ است.

△ علامت تغییر در طول دوره ۱۳۳۵-۵۵ است.

جدول ۵- امتیازات استاندارد مربوط به متغیرهای منتخب در سالهای ۱۳۳۵، ۱۳۴۵ و ۱۳۵۵ (استانها براساس امتیازات استاندارد خود در سال ۱۳۵۵ مرتب شده‌اند)

استان‌ها	متغیر ۹ (a)		استان	متغیر ۱۰		استان	متغیر ۱۱		استان	متغیر ۱۲	
	۱۳۳۴	۱۳۵۵		۱۳۳۵	۱۳۵۵		۱۳۳۵	۱۳۵۵		۱۳۳۵	۱۳۵۵
مرکزی	۲/۲۵	- ۲/۲۲	مرکزی	۲/۱۲	- ۲/۲۸	مرکزی	۲/۰۱	- ۲/۲۸	مرکزی	۲/۰۱	- ۲/۲۵
اصفهان	۱/۵۲	- ۱/۲۲	اصفهان	b	۱/۶۱	اصفهان	۱/۲۱	+ ۱/۷۱	اصفهان	۱/۲۱	+ ۲/۰۴
یزد	b	۱/۲۷	یزد	۲/۵۶	- ۱/۳۷	یزد	b	۱/۵۹	خوزستان	۲/۵۸	- ۱/۵۲
خوزستان	- ۰/۹۲	- ۰/۹۲	خوزستان	- ۰/۲۵	+ ۰/۹۷	خوزستان	۲/۱۶	- ۱/۵۱	اصفهان	- ۰/۱	- ۰/۹۲
خراسان	- ۰/۰۱	+ ۰/۶۸	خراسان	- ۰/۹۵	- ۰/۹۱	خراسان	- ۰/۵۹	+ ۰/۹۱	هرمزگان	- ۰/۵۸	- ۰/۷۶
گیلان	- ۰/۴۷	+ ۰/۵۸	گیلان	- ۰/۲۲	+ ۰/۸۹	گیلان	- ۰/۵۶	+ ۰/۵۷	بوشهر	- ۰/۳۳	+ ۰/۵۵
فارس	- ۰/۳۱	+ ۰/۳۳	فارس	- ۰/۶۹	+ ۰/۶۲	فارس	- ۰/۰۴	+ ۰/۲۳	کرمان	- ۰/۱۱	+ ۰/۵۱
آذربایجان شرقی	- ۰/۱۶	+ ۰/۱۱	آذربایجان شرقی	- ۰/۳۲	+ ۰/۴۱	آذربایجان شرقی	- ۰/۰۶	+ ۰/۲۷	فارس	- ۰/۰۳	+ ۰/۳۶
باختران	- ۰/۲۲	+ ۰/۰۶	چهارمحال و بختیاری	- ۰/۷۶	+ ۰/۱۱	باختران	- ۰/۰۱	- ۰/۱۱	باختران	- ۰/۰۲	+ ۰/۳۱
مازندران	- ۰/۲۲	+ ۰/۰۹	خراسان	- ۰/۰۷	+ ۰/۰۱	آذربایجان شرقی	- ۰/۱۱	- ۰/۱۳	یزد	- ۰/۶۵	+ ۰/۰۹
آذربایجان غربی	- ۰/۰۵	- ۰/۱۱	آذربایجان غربی	- ۰/۱۲	- ۰/۱۵	خراسان	- ۰/۰۷	- ۰/۱۳	گیلان	- ۰/۲۹	+ ۰/۲۲
سمنان	- ۰/۰۳	- ۰/۱۶	سمنان	- ۰/۲۷	+ ۰/۱۸	مدان	- ۰/۲۱	+ ۰/۱۳	سیستان و بلوچستان	- ۰/۲۲	- ۰/۲۸
مدان	- ۰/۲۱	- ۰/۲۸	کرمان	- ۰/۱۷	- ۰/۲۳	کرمان	- ۰/۲۱	+ ۰/۲۹	آذربایجان غربی	- ۰/۲۱	- ۰/۲۱
کرمان	- ۰/۲۶	+ ۰/۲۵	کرمان	- ۰/۲۷	- ۰/۴۸	چهارمحال و بختیاری	- ۰/۲۷	+ ۰/۳۲	خراسان	- ۰/۲۸	+ ۰/۲۱
سیستان و بلوچستان	- ۰/۲۶	+ ۰/۲۶	سیستان و بلوچستان	- ۰/۲۹	- ۰/۲۹	چهارمحال و بختیاری	- ۰/۲۹	+ ۰/۵۶	خراسان	- ۰/۲۸	+ ۰/۲۱
کرمان	- ۰/۲۸	+ ۰/۲۶	کرمان	- ۰/۲۹	- ۰/۲۹	گیلان	- ۰/۲۹	+ ۰/۳۷	مازندران	- ۰/۲۵	- ۰/۲۶
سیستان و بلوچستان	- ۰/۲۸	+ ۰/۲۶	آذربایجان غربی	- ۰/۲۹	+ ۰/۵۲	آذربایجان غربی	- ۰/۲۹	- ۰/۵۲	کردستان	- ۰/۲۹	+ ۰/۴۶
کرمان	- ۰/۲۸	- ۰/۲۸	لرستان	- ۰/۳۶	- ۰/۵۶	لرستان	- ۰/۲۹	- ۰/۵۶	آذربایجان شرقی	- ۰/۲۹	- ۰/۷۱
بوشهر	- ۰/۸۶	+ ۰/۶۵	بوشهر	- ۰/۳۶	- ۰/۵۶	لرستان	- ۰/۲۹	- ۰/۵۶	لرستان	- ۰/۲۵	- ۰/۷۶
چهارمحال و بختیاری	- ۰/۷۶	+ ۰/۶۹	مدان	- ۰/۲۲	- ۰/۷۳	ایلام	- ۰/۲۲	+ ۰/۷۷	ایلام	- ۰/۰۱	- ۰/۸۱
لرستان	- ۰/۱۷	+ ۰/۳۷	بوشهر	- ۰/۲۲	- ۰/۷۳	هرمزگان	- ۰/۲۲	+ ۰/۷۷	ایلام	- ۰/۰۱	- ۰/۸۱
هرمزگان	- ۰/۸۱	- ۰/۸۸	زنجان	- ۰/۸۱	- ۰/۸۵	زنجان	- ۰/۲۲	- ۰/۹۷	مدان	- ۰/۲۲	- ۰/۹۸
زنجان	- ۰/۱۲	- ۰/۹۲	کهکلیوه و بیراحند	- ۰/۲۲	- ۰/۲۸	کرمان	- ۰/۲۲	- ۰/۷۶	کهکلیوه و بیراحند	- ۰/۱۱	- ۰/۱۳
ایلام	- ۱/۰۹	- ۱/۰۹	سیستان و بلوچستان	- ۰/۵۲	- ۱/۰۳	سیستان و بلوچستان	- ۰/۵۲	- ۱/۰۳	چهارمحال و بختیاری	- ۱/۱۱	- ۱/۱۴
کهکلیوه و بیراحند	- ۱/۰۲	- ۱/۱۲	کهکلیوه و بیراحند	- ۰/۶۱	- ۱/۰۶	کهکلیوه و بیراحند	- ۰/۶۱	- ۱/۰۶	زنجان	- ۰/۲۲	- ۱/۰۲

a: درخصوص فهرست متغیرها به صفحات اول مقاله مراجعه شود.

b: ییزد در زمره اصفهان است.

c: زنجان در زمره گیلان است.

* اطلاعات مربوط به سال ۱۳۴۵ در دسترس نبود.

علامت (+) نشانگر بهبود نسبی موقعیت استان در سالهای ۱۳۴۵-۵۵ است.

علامت (-) نشانگر بهبود نسبی موقعیت استان در سالهای ۱۳۴۵-۵۵ است.

علامت Δ علامت تغییر در طول دوره ۱۳۳۵-۵۵ است.

توسعه بود. اما در کنار این سیاستها، دولت همچنان به توسعه و گسترش قطبهای بزرگ رشد کشاورزی و صنعتی در نواحی توسعه یافته تری که از منابع غنی تری نیز برخوردار بودند توجه داشت. قطبهای جدید صنعتی و کشاورزی عمدتاً در استانهای مرکزی، اصفهان، خراسان و فارس متمرکز بودند. چند استان دیگر (مثل گیلان و باختران) نیز صاحب چند قطب مشابه شدند.

برنامه پنجم (۱۳۵۱-۵۷) به مسئله نابرابری‌های منطقه‌ای بخصوص از لحاظ شرایط اجتماعی توجه بیشتری داشت. لذا تأکید آن روی ارائه خدمات اجتماعی

چهارم یک رشته تغییرات اداری در سطح استانها با هدف تمرکززدایی از برخی عملکردهای توسعه به اجرا گذاشته شد. تشکیل شوراهای شهر، شهرستان و استان و ایجاد دفاتر برنامه و بودجه استان از جمله مهمترین ابتکارات در این زمینه بود.

تمرکززدایی از طرح‌های توسعه اقتصادی - اجتماعی (خصوصی و عمومی) نیز با وضع مشوق‌های مختلف مالی و سیاستهای کنترلی مورد حمایت قرار گرفت. از جمله دیگر تدابیر، تشکیل سازمان توسعه کردستان و مناطق ساحلی بود که هدف هردو نیز بهبود سطح زندگی در استانهای زیرخط

توسعه از گسترش خدمات اجتماعی، توسعه نواحی روستایی و کمک‌رسانی به کشاورزی معیشتی غفلت شد (و بدین ترتیب وضع استان‌های زیرخط توسعه وخیم تر گردید)، درحالی که به صنعتی کردن شهرها، توسعه زیرساختها، گسترش شهرها و استانهای نسبتاً توسعه یافته توجه نامتناسبی گردید.

شکاف درحال تعمیق توسعه میان استانها و پیامدهای سیاسی محسوس آن، دولت را ناگزیر از توجه بیشتر به توسعه موزون منطقه‌ای کرد. این سیاست جدید در برنامه‌های چهارم و پنجم (۱۳۴۷-۵۱) و ۵۷-۱۳۵۲) بازتاب یافت. بخصوص در برنامه

جدول ۶- درصد مواردی که يك استان از لحاظ امتیازات استانده سالهای ۵۵ و ۱۳۴۵ خود در زمینه ۱۰ متغیر در بین ۱۰ استان رده بالا و ۱۰ استان رده پایین قرار دارد. استانها به سه دسته نسبتاً توسعه یافته، میانی و زیر خط توسعه طبقه بندی شده اند.

استانها	درصد مواردی که استان در زمره ۱۰ استان بالایی قرار داشته است	درصد مواردی که استان در زمره ۱۰ استان میانی قرار داشته است	درصد مواردی که استان در زمره ۱۰ استان در زمره ۱۰ استان در زمره ۱۰ استان	نسبتاً توسعه یافته	نسبتاً توسعه یافته
مرکزی	۱۰۰/۰	۰/۰	۰/۰	مرکزی	۰/۰
فارس	۱۰۰/۰	۰/۰	۰/۰	اصفهان	۱۰/۰
خوزستان	۸۰/۰	۲۰/۰	۲۰/۰	یزد	۱۰/۰
سمنان	۸۰/۰	۲۰/۰	۲۰/۰	خوزستان	۱۰/۰
اصفهان	۷۰/۰	۱۰/۰	۱۰/۰	فارس	۷۰/۰
خراسان	۷۰/۰	۱۰/۰	۱۰/۰	سمنان	۱۰/۰
میان				میان	
آذربایجان شرقی	۶۰/۰	۲۰/۰	۲۰/۰	باختران	۲۰/۰
باختران	۶۰/۰	۲۰/۰	۲۰/۰	خراسان	۳۰/۰
مازندران	۵۰/۰	۲۰/۰	۲۰/۰	آذربایجان شرقی	۳۰/۰
آذربایجان غربی	۵۰/۰	۳۰/۰	۳۰/۰	گیلان	۴۰/۰
گیلان	۵۰/۰	۴۰/۰	۴۰/۰	همدان	۳۰/۰
بوشهر	۴۰/۰	۴۰/۰	۴۰/۰	کرمان	۳۰/۰
یزد	۳۰/۰	۴۰/۰	۴۰/۰	مازندران	۴۰/۰
همدان	۳۰/۰	۴۰/۰	۴۰/۰	بوشهر	۳۰/۰
زیر خط توسعه				زیر خط توسعه	
لرستان	۳۰/۰	۶۰/۰	۶۰/۰	چهارمحال و بختیاری	۲۰/۰
هرمزگان	۲۰/۰	۷۰/۰	۷۰/۰	هرمزگان	۷۰/۰
کردستان	۲۰/۰	۷۰/۰	۷۰/۰	کردستان	۷۰/۰
کهگیلویه و بویراحمد	۲۰/۰	۷۰/۰	۷۰/۰	ایلام	۸۰/۰
چهارمحال و بختیاری	۲۰/۰	۸۰/۰	۸۰/۰	آذربایجان غربی	۵۰/۰
زنجان	۱۰/۰	۶۰/۰	۶۰/۰	لرستان	۸۰/۰
ایلام	۱۰/۰	۷۰/۰	۷۰/۰	کهگیلویه و بویراحمد	۹۰/۰
کرمان	۰/۰	۸۰/۰	۸۰/۰	سیستان و بلوچستان	۸۰/۰
سیستان و بلوچستان	۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	زنجان	۱۰۰/۰

(از جمله اشتغال) متمرکز بود. برای حصول این هدف، علاوه بر طرحهای «معمول»، برنامه‌های خاص طراحی شده برای استانهای خاص (تحت عنوان طرح‌های «خاص») و «مجموع‌های طایفه‌ای»، يك سلسله برنامه‌های استانی نیز به اجرا گذاشته شد. این سیاست جدید توسعه یکپارچه مناطق توجه خاصی هم به کشاورزی داشت و طرح‌های مختلفی برای رونق سرمایه‌گذاری خصوصی در مناطق زیرخط توسعه ارائه می‌کرد.

همانگونه که درجایی دیگر به تفصیل روشن ساخته‌ایم سیاستهای فوق در محیط تمرکزگرایی خشک و در جوار گروه‌های ذینفوذ جاافتاده وابسته به بخش‌های مختلف اقتصاد به سختی می‌توانست اثر بخش باشد. به علاوه، سیاستهایی که هدف از آنها بهره‌مند ساختن استانهای زیرخط توسعه بود در مقام مقایسه در حاشیه باقی ماندند. در حالیکه سیاستهای معطوف به رشد (و سرمایه‌گذاری) همچنان به زیان چنین استانهایی که از شرایط سرمایه‌گذاری سودآور و رشد سریعی برخوردار نبودند وضع می‌شد.

طبقه بندی استانها و مشخصه های عمومی آنها:

بزرگی امتیازات استانده مندرج در جدول ۳ و ۴ و ۵ بنا به فرض، نمایانگر سطح توسعه است: امتیاز بالاتر نشانگر سطح بالاتر توسعه و امتیاز پایین تر نماینده پایین تر بودن سطح توسعه است. با توجه به این نکته، درصد مواردی که در آنها امتیاز استانده هراستان در زمینه ده متغیر منتخب، آن را در بین ده استان رده بالا یا رده پایین قرار می‌دهد، محاسبه شده و نتایج حاصل برای سالهای ۱۳۴۵ و ۱۳۵۵ در جدول ۶ آمده است. در این جدول استانها به سه دسته نسبتاً توسعه یافته، میانی و زیر خط توسعه تقسیم و بر پایه ۱۰ درصد بالایی رتبه بندی شده‌اند. در مواردی که درصدهای مزبور برای دو یا چند استان با هم برابر بوده‌اند، آنها را بر اساس ۱۰ درصد

جدول ۷- ویژگیهای کلی گروههای استانی ایران: ۱۳۵۵

ویژگیها	ایران	استانهای نسبتاً توسعه یافته	استانهای میانی	استانهای زیرخط توسعه
جمعیت (درصد از کل کشور)	۱۰۰/۰	۴۱/۵	۴۱/۴	۱۷/۱
مساحت (درصد از کل کشور)	۱۰۰/۰	۳۱/۷	۴۲/۸	۲۵/۵
تراکم (در هر کیلومتر مربع)	۲۵/۵	۲۶/۸	۱۹/۷	۱۳/۶
شهرنشینی (به درصد)	۴۷/۱	۶۶/۹	۳۵/۱	۲۷/۸

جدول ۸- ضرایب تغییر و درصد تغییرات آنها

متغیرها	ضرایب تغییر (*)	درصد تغییرات از سال ۱۳۵۵
۱- درصد جمعیت شهری	۰/۲۹	-۲۹
۲- میانگین هزینه‌های مصارف خوراکی و غیر خوراکی خانوار شهری در سی روز (به ریال)	۰/۲۵	-۴
۳- میانگین هزینه‌های مصارف خوراکی و غیر خوراکی خانوار روستایی در ۳۰ روز (به ریال)	۰/۱۸	-۴۸
۴- ارزش افزوده هر کارگر شاغل در تاسیسات بزرگ صنعتی (۱۰۰۰ ریال)	۰/۳۲	-۳۶
۵- تعداد پزشکان به ازای هر یکصد هزار نفر	۰/۹۷	+۵۹
۶- تعداد تخت‌های بیمارستانی به ازای هر یکصد هزار نفر	۰/۴۹	-۲۹
۷- تعداد دفاتر پستی در هر ده هزار کیلومتر مربع	۰/۶۸	-۲۶

* ضرایب مربوط به متغیرهای اول و ششم مربوط به سال ۱۳۶۲، متغیرهای دوم، سوم، نهم و دوازدهم مربوط به سال ۱۳۶۳، و متغیر هشتم مربوط به سال ۱۳۶۱ است.

علامت + نمایانگر افزایش فاصله میان ارقام استان و میانگین‌های ملی است.

علامت - نمایانگر کاهش فاصله میان ارقام استان و میانگین‌های ملی است.

تراکم جمعیت کل کشور بیشتر است. تراکم جمعیت استان‌های میانی هم بیش از تراکم جمعیت استان‌های زیرخط توسعه است ولی تراکم جمعیت این هر دو گروه از استانها از تراکم جمعیت کل کشور کمتر است.

در مورد این سه دسته از استانهای ایران حقایق مهم دیگری نیز مطرح است: نخست اینکه در اکثر موارد استانهای درون هر دسته دوتادوتا یا به صورت گروههایی با بیش از دو استان در مجاورت یکدیگر قرار دارند (شکل

۵). اکثر استانهای نسبتاً توسعه یافته در بخش مرکزی کشور، استانهای میانی عمدتاً در نواحی مرزی، و بیشتر استانهای زیرخط توسعه در جنوب غربی و جنوب شرقی کشور قرار گرفته‌اند.

پایینی رتبه‌بندی کرده‌ایم. در هر دسته نیز استانها را براساس نظمی کاهنده فهرست کرده‌ایم.

تحلیل تبعیضی مقدماتی (که در این مقاله نیامده است) نشانگر وجود همگونی کافی در داخل هر دسته جهت تلقی آنها به عنوان یک کل واحد است. اثر تغییر حدود و ثغور استانها را نیز در نظر گرفته‌ایم ولی آن را بی اهمیت یافته‌ایم. استفاده از رشته متفاوتی از اطلاعات نیز نمی‌تواند تغییر مهمی در این طبقه‌بندی ایجاد کند. در واقع برخی بررسیهایی هم که از مجموعه متفاوتی از داده‌ها استفاده کرده‌اند به طبقه‌بندی مشابهی چون ما دست یافته‌اند.

برخی از مشاهدات مهم درخصوص ویژگیهای کلی این ۳ دسته از استانهای ایران در جدول ۷ آمده است. استانهای نسبتاً توسعه یافته با هم حدود ۳۲ درصد خاک ایران و بیش از ۴۲ درصد جمعیت کشور را زیر پوشش دارند. ارقام مشابه برای استانهای میانی به ترتیب در حدود ۴۳ و ۴۱ درصد و برای استانهای زیرخط توسعه در حدود ۲۶ و ۱۷ درصد است. از این رو بیش از ۸۳ درصد جمعیت ایران در استانهای نسبتاً توسعه یافته میانی زندگی می‌کنند که بیش از ۷۵ درصد خاک کشور را زیر پوشش دارند. نکته جالبی

که از جدول ۷ آشکار می‌گردد همبستگی موجود میان سطح شهرنشینی و تراکم از یکسو و سطح توسعه از سوی دیگر وجود دارد. بویژه استانهای نسبتاً توسعه یافته که حدود ۶۷ درصد جمعیت آنها ساکن مناطق شهری هستند از این جهت بالاترین نسبت را نشان می‌دهند. این رقم را باید با نسبت ۳۵ درصد مربوط به استانهای میانی و ۲۸ درصد مربوط به استانهای زیرخط توسعه و ۴۷ درصد مربوط به کل کشور مقایسه کرد. به بیان دیگر استانهای نسبتاً توسعه یافته در مقایسه با استانهای

میانی اندکی کمتر از دوبرابر، و نسبت به استان‌های زیرخط توسعه کمی کمتر از ۳ برابر شهرنشین تر هستند. به همین سان تراکم جمعیت استانهای نسبتاً توسعه یافته از تراکم جمعیت دو دسته دیگر از استانها و نیز از

نابرابری استانها از سال ۱۳۵۵ به بعد و سیاستهای منطقه‌ای در دوره بعد از انقلاب

در بخش حاضر به این پرسش پاسخ

کشاورزی پس از سال ۱۳۵۵ و به خصوص پس از انقلاب بوده است. کاهش نابرابری در زمینه بهره‌وری نیروی کار را به سهولت با این واقعیت می‌توان توضیح داد که بسیاری از تأسیسات صنعتی مدرن در نواحی نسبتاً توسعه یافته از سال ۱۳۵۷ به بعد یا تعطیل بودند و یا بسیار پایین‌تر از ظرفیت خود کار می‌کردند.

برای نمایش تفاوت‌های موجود میان استانها، امتیازات استاندارد در مورد ۶ متغیر محاسبه شده و همراه با تغییرات حاصل نسبت به امتیازات سال ۱۳۵۵ در جداول ۹ و ۱۰ آمده است. همانند دوره پیش از ۱۳۵۵،

تغییرات نسبت به ضرایب ۱۳۵۵ در جدول ۸ آمده است. به نظر می‌رسد میزان نابرابری در مورد تمامی متغیرها بجز تعداد پزشکان که نابرابری در زمینه آن به شکل چشمگیری افزایش یافته، کاهش یافته باشد. این کاهش می‌تواند ناشی از این واقعیت باشد که در پی انقلاب، دانشکده‌های پزشکی حدود ۳ سال تعطیل بودند و بسیاری از پزشکان نیز یا کشور را ترک کردند و یا برای کمک به امور جنگی به مناطق جنگی و بیمارستانهای شهرهای بزرگ بخصوص تهران اعزام شدند. بهبود جزئی در هزینه‌های مصرفی روستا نیز عمدتاً ناشی از افزایش توجه دولت به مناطق روستایی و

می‌دهیم که آیا توسعه ایران در سال‌های پس از ۱۳۵۵ و مشخصاً از زمان انقلاب ۱۳۵۷ به بعد از قوت تحلیل ما کاسته است یا نه. استدلال ما این است که با وجود برخی تغییرات مهم از جمله تقلیل شکاف نابرابری و تغییر موقعیت نسبی برخی از استانها در سلسله مراتب استانی، که در روابط بین استانها رخ داده است، تصویر کلی هنوز عمدتاً همچون سال ۱۳۵۵ است.

باتوجه به نبود آمارهای قابل مقایسه در زمان انجام این بررسی (آمارهای سرشماری بعدی دو سال بعد در سال ۱۳۶۵ در دسترس قرار گرفت) ضرایب تغییرپذیری برای ۷ متغیر محاسبه شده و نتایج همراه با درصد

جدول ۹- امتیازات استاندارد متغیرهای منتخب در ۶۳ و ۱۳۶۲ (استانها براساس امتیازات استاندارد سال ۱۳۶۲ یا ۱۳۶۳ خود مرتب شده‌اند)

استان	متغیر (۱) (۵)		استان	متغیر ۲		استان	متغیر ۳	
	۱۳۶۲	تغییر از ۱۳۵۵ (ب)		۱۳۶۲	تغییر از ۱۳۵۵		۱۳۶۲	تغییر از ۱۳۵۵
مرکزی	+ ۳/۰۵		بوشهر	+ ۱/۷۵		ایلام	+ ۱/۷۹	
اصفهان	- ۱/۴۸		مازندران	+ ۱/۴۳		هرمزگان	+ ۱/۷۳	
یزد	- ۱/۲۷		باختران	+ ۱/۱۸		کهگیلویه و بویراحمد	+ ۱/۱۰	
باختران	+ ۱/۰۵		گیلان	+ ۱/۱۷		بوشهر	+ ۱/۰۲	
خوزستان	- ۰/۷۸		خوزستان	+ ۰/۹۹		خوزستان	+ ۰/۶۴	
سمنان	+ ۰/۵۶		آذربایجان شرقی	+ ۰/۸۲		چهارمحال و بختیاری	+ ۰/۲۳	
فارس	- ۰/۱۶		کردستان	+ ۰/۷۸		سیستان و بلوچستان	+ ۰/۱۹	
خراسان	- ۰/۰۱		مرکزی	+ ۰/۶۶		گیلان	- ۰/۱۴	
کرمان	+ ۰/۰۴		هرمزگان	- ۰/۴۱		اصفهان	- ۰/۰۸	
بوشهر	+ ۰/۰۷		فارس	+ ۰/۳۴		آذربایجان شرقی	- ۰/۰۴	
کردستان	+ ۰/۰۹		همدان	+ ۰/۲۷		فارس	+ ۰/۰۲	
لرستان	+ ۰/۲۰		اصفهان	+ ۰/۲۰		خراسان	+ ۰/۰۲	
آذربایجان شرقی	- ۰/۲۵		خراسان	+ ۰/۰۸		همدان	- ۰/۰۸	
آذربایجان غربی	+ ۰/۳۰		کرمان	- ۰/۲۰		آذربایجان غربی	- ۰/۱۱	
ایلام	+ ۰/۳۷		آذربایجان غربی	- ۰/۴۶		کرمان	+ ۰/۱۴	
زنجان	+ ۰/۵۳		یزد	+ ۰/۴۹		کردستان	+ ۰/۱۶	
مازندران	- ۰/۶۱		سمنان	+ ۰/۵۰		مازندران	- ۰/۲۰	
هرمزگان	+ ۰/۶۲		زنجان	- ۰/۹۱		زنجان	+ ۰/۳۰	
چهارمحال و بختیاری	- ۰/۷۱		کهگیلویه و بویراحمد	- ۱/۲۲		باختران	+ ۰/۳۶	
همدان	- ۰/۸۲		سیستان و بلوچستان	- ۱/۲۸		لرستان	- ۰/۴۶	
سیستان و بلوچستان	- ۰/۸۳		لرستان	- ۱/۴۷		یزد	- ۰/۶۲	
گیلان	- ۱/۰۲		چهارمحال و بختیاری	- ۱/۵۸		سمنان	- ۱/۰۲	
کهگیلویه و بویراحمد	- ۱/۸۸		ایلام	- ۱/۶۰		مرکزی	- ۳/۴۷	

a: درخصوص فهرست متغیرها به صفحات نخست مقاله مراجعه شود.

b: در مورد امتیازات استاندارد سال ۱۳۵۵ به جدول ۳ مراجعه کنید

(+): نشانگر بهبود نسبی موقعیت استان در سالهای ۱۳۵۵-۶۲ است.

(-): نشانگر وخامت نسبی موقعیت استان در سالهای ۱۳۵۵-۶۲ است.

جدول ۱۰- امتیازات استاندارد متغیرهای منتخب سالهای ۱۳۵۵، ۱۳۶۱، ۱۳۶۲ و ۱۳۶۳ (استانها براساس امتیازات استاندارد سالهای ۶۳ یا ۶۲ و ۱۳۶۱ مرتب شده اند)

استان	متغیر ۶ ^(a)	استان	متغیر ۸	استان	متغیر ۹
	۱۳۶۲	تغییر از ۱۳۵۵ ^(b)	تغییر از ۱۳۵۵	تغییر از ۱۳۶۳	تغییر از ۱۳۵۵
هرمزگان	-۰/۵۵	+ ۲/۲۸	- ۴/۲۸	مرکزی	- ۲/۷۲
مرکزی	۱/۷۱	- ۱/۴۷	- ۰/۷۹	یزد	+ ۲/۶۳
زنجان	۱/۳۰	+ ۱/۴۶	+ ۰/۶۵	اصفهان	- ۱/۰۵
فارس	-۰/۶۰	+ ۱/۱۵	+ ۰/۵۱	سمنان	+ ۰/۷۵
آذربایجان شرقی	۰/۷۳	- ۰/۶۷	+ ۰/۲۵	فارس	+ ۰/۶۰
یزد	-۰/۷۳	- ۰/۶۱	+ ۰/۱۶	خراسان	- ۰/۴۱
کرمان	-۰/۳۳	+ ۰/۵۹	+ -۰/۰۶	آذربایجان شرقی	+ ۰/۱۹
اصفهان	-۰/۶۳	+ ۰/۴۷	+ -۰/۰۸	کرمان	+ ۰/۱۲
مازندران	-۰/۳۳	+ ۰/۱۳	+ -۰/۰۹	خوزستان	- -۰/۰۳
خراسان	-۰/۱۱	- ۰/۰۲	+ -۰/۲۴	مازندران	- -۰/۰۹
خوزستان	۱/۹۵	- ۰/۰۱	- ۰/۳۱	باختران	- ۰/۱۳
گیلان	-۰/۸۹	+ -۰/۰۵	- ۰/۳۳	گیلان	- ۰/۳۱
ایلام	c	-۰/۲۵	- ۰/۳۵	بوشهر	+ -۰/۴۵
باختران	-۰/۰۷	- ۰/۲۶	+ -۰/۳۶	سیستان و بلوچستان	+ -۰/۴۹
سمنان	-۰/۱۲	- ۰/۲۸	- ۰/۳۷	آذربایجان غربی	- ۰/۴۹
بوشهر	۱/۰۹	- ۰/۳۷	+ -۰/۳۹	هرمزگان	+ -۰/۵۶
همدان	-۰/۷۹	- ۰/۶۱	- ۰/۴۴	همدان	- ۰/۵۷
آذربایجان غربی	-۰/۲۳	- ۰/۹۲	+ -۰/۴۵	چهارمحال و بختیاری	- ۰/۶۴
سیستان و بلوچستان	-۱/۴۹	+ ۰/۹۷	+ -۰/۴۹	کردستان	- ۰/۷۵
لرستان	۱/۱۸	- ۰/۹۸	- ۰/۵۹	کهکیلویه و بویراحمد	- ۰/۸۰
چهارمحال و بختیاری	-۰/۹۲	- ۱/۰۳	+ -۰/۶۱	زنجان	+ -۰/۸۶
کردستان	-۱/۳۹	+ ۱/۳۱	+ -۰/۷۳	ایلام	+ -۱/۰۳
کهکیلویه و بویراحمد	-۱/۴۷	- ۲/۱۲	- ۰/۷۶	لرستان	- ۱/۲۷

a: فهرست متغیرها در ابتدای مقاله موجود است.

b: فهرست امتیازات استاندارد سال ۱۳۵۵ در جداول ۴ و ۵ موجود است.

c: ایلام در زمره استان خوزستان است.

+ نمایانگر بهبود نسبی موقعیت استان در دوره ۱۳۵۵-۶۱/۶۳ است.

- نمایانگر وخامت نسبی موقعیت استان در دوره ۱۳۵۵-۶۱/۶۳ است.

در جمع استانهای زیرخط توسعه، بیشترین پیشرفت در استانهای هرمزگان، کهکیلویه و بویراحمد، سیستان و بلوچستان و زنجان تحقق یافته است. از سوی دیگر موقعیت آذربایجان غربی و لرستان بیش از دیگران اُفت کرده است.

با استفاده از روشی مشابه روش قبلی طبقه بندی، در سال ۱۳۶۳ نیز اساساً به همان سه گروه استانهای سال ۱۳۵۵ می‌رسیم

بهبود یافت (شکل ۶) اکثریت استانهای میانی و زیرخط توسعه جزو این گروه هستند. در بین استانهای نسبتاً توسعه یافته تنها جایگاه اصفهان و فارس بهبود یافته است درحالی که موقعیت یزد و سمنان بیش از دیگران اُفت کرده است. در بین گروه استانهای میانی، آذربایجان شرقی، مازندران و بوشهر موقعیت خود را بهبود بخشیدند ولی همدان و باختران شاهد وخامت نسبی بودند.

استانها به ۲ گروه تقسیم می‌شوند: گروه کوچکتری از استانها دارای امتیاز مثبتند حال آنکه تعداد بیشتری از آنها امتیاز منفی دارند. بازم استانهای زیرخط توسعه بجز در زمینه هزینه‌های مصرفی روستا که دارای امتیازات مثبتی هستند عمدتاً در گروه دوم قرار می‌گیرند.

طی دوره ۱۳۵۵-۶۳ موقعیت نسبی بیش از نیمی از استانها در سلسله مراتب استانی

البته یکی دو مورد حرکت از یک گروه به گروه دیگر وجود داشته ولی جابجایی‌های مهم‌تر در داخل هر گروه صورت گرفته است (شکل ۵). بخصوص خراسان و آذربایجان شرقی به گروه نسبتاً توسعه‌یافته منتقل شده‌اند، درحالی‌که یزد و سمنان از این گروه اخیر به گروه استان‌های میانی تنزل موقعیت پیدا کرده‌اند.

به همین ترتیب، هرمزگان از موقعیت زیرخط توسعه به گروه میانی حرکت کرده و همدان نیز از موقعیت میانی به سطح استانهای زیرخط توسعه سقوط کرده است. تحرکات درون هر گروه عمدتاً مربوط به استانهای مرکزی، باختران، لرستان و آذربایجان غربی در جهت تنزل، و استانهای زنجان، سیستان و بلوچستان، کهگیلویه و بویراحمد، بوشهر، مازندران، فارس و اصفهان در جهت ترقی بوده است. بدین ترتیب می‌توان بین استانهای درحال حرکت رو به بالا و رو به پایین در دوره ۶۳-۱۳۵۵ تمایز قائل شد. (شکل ۷).

باتوجه به نبود سیاست و برنامه‌ریزی، روشن در سطوح استانی از سالهای ۱۳۵۷ به بعد، تعیین عوامل ایجادکننده الگوهای بالا در زمینه توسعه استانی دشوار است. با این همه می‌توان برخی عوامل همبسته با چنین الگوهای را مشخص ساخت. جنگ با عراق مهمترین عامل در این زمینه است. بطورکلی هرچند این جنگ اثراتی منفی بر مناطق جنگی گذاشته است ولی بر استانهای مجاور که مرکز فعالیت پشتیبانی جنگ بوده‌اند، تأثیری مثبت داشته است برای نمونه، خوزستان، آذربایجان غربی و باختران از زمره استانهایی هستند که شاهد صدمات بسیار بودند، درحالی‌که فارس، اصفهان، آذربایجان شرقی، هرمزگان و بوشهر موقعیت نسبی خودشان را بهبود بخشیدند. دومین عامل، ساختار اقتصادی پیش از انقلاب استانهاست. بطورکلی استانهایی (مانند یزد، سمنان، مرکزی، همدان و کرمان) که ساختار صنعتی تری داشته‌اند احتمالاً به دلیل افت سراسری صنایع ایران در دوره بعد از انقلاب،

از موقعیت خود سقوط کردند. برعکس، استانهایی (همچون خراسان، مازندران، زنجان، سیستان و بلوچستان، کهگیلویه و بویراحمد) که دارای تولید کشاورزی چشمگیر و مناطق بزرگ روستایی بودند یا استان‌هایی (مانند بوشهر یا هرمزگان) که نقشی عمدتاً خدماتی داشتند موقعیت خود را بهبود بخشیدند.

دولت پس از انقلاب نسبت به کشاورزی و مناطق روستایی عنایت خاصی داشته است. همچنین جنگ منجر به افزایش واردات و بنابراین رونق آن دسته از استانهای ساحلی گردید که دارای تسهیلات بندرگاهی بودند.

نسبی بودن این تبیین‌ها در کنار این حقیقت مطرح است که از عوامل فعال در ورای الگوهای تغییر موقعیت نسبی برخی از استانها از قبیل کردستان و ایلام که هر دو در مناطق جنگی بوده‌اند و با این حال موقعیت‌شان بهبود یافته است حتی آگاهی کمتری داریم. شاید فعالیت‌های دولت برای بازسازی مناطق آسیب دیده جنگی و افزایش هزینه‌های دولت برای خشنود ساختن جمعیت محلی علت این تحولات باشد.

سرانجام، چنین به نظر می‌رسد که به‌طورکلی استانهای توسعه‌یافته‌تر از اثرات انقلاب و پیامدهای آن لطمه بیشتری خورده‌اند تا نواحی زیرخط توسعه دلیل این امر ممکن است آن باشد که استان‌های توسعه‌یافته‌تر چیز بیشتری برای از دست دادن داشته‌اند یا اینکه از اواخر دهه ۹۵۰ عنایت بیشتری به استانهای زیرخط توسعه شده است.

نتیجه‌گیری: نتایج نظری و کاربردی

تحلیل داده‌های برگرفته شده از منابع دولتی برای ۲۳ استان در طول دوره‌های ۱۳۳۵-۵۵ و ۶۳-۱۳۵۵، وجود نابرابری‌های حاد میان استانهای ایران را آشکار می‌سازد.

اگرچه در فاصله سالهای ۱۳۴۵ و ۱۳۵۵ و در طول دوره ۶۳-۱۳۵۵، نابرابری‌های موجود میان استانها در زمینه بسیاری از

متغیرهای اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی استفاده شده در این بررسی، کاهش یافته است، ولی تصویر کلی تغییر چندانی نکرده است. برای نمونه، از لحاظ سطح توسعه، در سال ۱۳۵۵ (و نیز در سال ۱۳۶۳) سه گروه استانی قابل تشخیص بود که هر گروه تقریباً همان استانهای سالهای ۴۵ یا ۱۳۳۵ را دربرمی‌گرفت. به بیان دیگر بجز در چند مورد، موقعیت نسبی استانها به طرز چشمگیری تغییر نیافته است و لذا فرآیندهای توسعه اجتماعی - اقتصادی عمدتاً بر موقعیت آنها در سلسله مراتب استانی تأثیری نگذاشته است.

این نتیجه‌گیری با نظریه رشد منطقه‌ای موسوم به «نعل اسب وارونه» تعارض دارد. در این نظریه فرض بر آن است که دوره ۵۵-۱۳۳۵ «مراحل اولیه توسعه» ایران بوده است. براساس نظریه مزبور نابرابری‌های منطقه‌ای در «مراحل اولیه توسعه» افزایش می‌یابد، با توسعه بیشتر به سمت هم می‌گراید یا شروع به تثبیت می‌کند و در مراحل کامل‌تر توسعه فرومی‌گاهد. سایر بررسی‌ها نیز ثابت کرده‌اند که این نظریه عمدتاً نادرست است.

بهتر است بگوییم الگوی نابرابری بین استانی (یا بین منطقه‌ای) از لحاظ جغرافیایی خاص است، و بسته به نوع متغیرهای موردنظر ممکن است الگوهای مختلف همگرایی یا واگرایی ظهور کند. برای نمونه در بررسی حاضر نابرابری بین استانی

در زمینه بیشتر متغیرهای اجتماعی کاهش یافته است ولی در متغیرهایی با درونمایه اقتصادی‌تر از قبیل هزینه‌های مصرفی خانوارهای شهری و روستایی این تفاوت بین استانی یا افزایش یافته و یا بدون تغییر

عمده‌ای باقی مانده است. اما بطورکلی تغییرات برای اکثریت چشمگیری از استانها متناسب بوده است. تنها استانی که در بیشتر متغیرهای این مطالعه متحمل آسیب و ضرر شده استان مرکزی است چرا که این استان در سال ۱۳۵۵ بزرگترین مرکز فعالیت‌های اقتصادی - اجتماعی بود. این یافته اخیر نیز دلیل محکمی بر رد نظریه رشد منطقه‌ای

